

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۴۲

بیکار

۴۲

دوشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۵۸ بهار ۱۵ ریال

اولین سالگرد قیام مسلحانه ۲۲ بهمن را
به کارگران، زحمتکشان و تمامی خلقهای
ایران تبریک میگوئیم

آیا در طی یکسال گذشته وضع
زنان تغییر کرده است؟
آیا در آینده قانون دست پخت خیرگان آزادی
واقعی زنان را تضمین میکند؟

صفحه ۷

قیام و بورژوازی لیبرال

قیام تنها اوج جنبش نوقده
خلق نبود، بلکه اوج خیانت

بورژوازی لیبرال نیز بود

صفحه ۳



مروری بر زمینه های اقتصادی - سیاسی قیام بهمن

صفحه ۲

توجه!
بنام ست سالگرد قیام بهمن، از طرف سازمان
بیکار در راه آزادی طبقه کارگر در روز ۲۲ بهمن ساعت
۱۳:۱۰ در محل دادسگده پلی تکنیک مراسمی برپا
می شود از هموطنان گرامی درخواست می شود در این
مراسم شرکت بنمایند.

درود بر تمامی شهدایی که در راه واژگونی سلطنت
و محو سلطه امپریالیسم جان خود را فدا کردند

مروری بر زمینه‌های اقتصادی - سیاسی قیام بهمن

با زار مصرف کالاهای خارجی می‌گردد. میلیاردها دلار ریاست واردات از کشور خارج می‌گردد، تورم افزایش یافته و نرخ کالاهای مصرفی و خدمات بطور سرسام‌آوری بالا می‌رود. درآمد ایران از نفت این منبع اصلی درآمد ارزی ایران همواره تابع سنا - سنا و برنا مه‌های تولید شرکت‌های چندملیتی و کارشل - های عظیم نفتی است. در نیمه اول سال ۵۶ - روزانه بطور متوسط نزدیک به ۶ میلیون بشکه و سالانه نزدیک به ۴۰۰ میلیون تن نفت ایران توسط انحصار - گران نفتی بتا راج می‌رفت که بعد از عربستان سعودی در بالاترین سطح قرار داشت. بطور متوسط ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی را در آن بدخا مل از نفت تشکیل میداد اما این درآمد‌ها بجای آنکه درجا رجوب یک اقتصاد سالم و مستقل و با تقویت صنایع پایه ای و کلیدی و با در نظر داشتن نیازها و ضرورت‌های ملی و ایجاد تعادل منطقی بین رشد صنعتی و کشاورزی و ... بکار گرفته شود، بطور کامل در خدمت برنا مه‌ها و سیاست‌های امپریالیستی و بانداغرتکرومرتجیح و وابسته به آنها قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر آنجا که امپریالیسم بالاترین بهره‌بری و بیشترین غارت خود را از درآمد سرشار حاصل از نفت می‌خوانست بدست آورد و این بخش از اقتصاد نقش محوری را در کل سیستم اقتصادی ایران ایفا می‌نمود، بخش‌های دیگر اقتصاد در رشدنازل تر و عقب افتاده‌تری را طی می‌نمودند. این وضعیت بیش از پیش در بخش کشاورزی خود را نشان می‌داد.

در بخش کشاورزی:

سیاست ویرا تکرو و مردمی رژیم شاهستان و اربابان آمریکائی. این وضع را بسیار آشفته‌تر از بقیه در صفحه ۹

صادرات نفت ایران به آمریکا دوسرا برسد (اطلاعات ۲ آذر ۵۶)
سقوط بی سابقه دلار (اطلاعات ۵ آذر ۵۶)
۷۲ میلیون دلار وام برای خرید هواپیماهای ۷۲۷ ایران (آبندگان دی ۵۶)
خریدهای ایران از آمریکا از ۴۰ میلیارد دلار تجاوز می‌کند (اطلاعات ۵ آبان ۵۶)
ایران برای احرائی تعدادی طرح در زمینه‌های مخابرات، صنایع کماورزی و نیروی مینی ۹۰۰ میلیون دلار وام می‌گیرد (اطلاعات ۵ آذر ۵۶)
کسری بازرگانی خارجی ایران به ۶۲۸ میلیارد رسید (آبندگان ۲۲ آذر ۵۶)
کافی است نکاتی به این مجموعه آمار ورقام بیا فکنیم تا گوشه‌ای از ابعاد عظیم وابستگی و بیوسیدگی درونی نظام سرمایه‌داری وابسته ایران را در بایم.

در زمینه تولیدات صنعتی:

صنایع مهمانز نهنه‌ها ایران از این نظریه - نیاز را خارج نمی‌نماید، بلکه این صنایع بنا بر خلقت زانکه می‌توانستند ایران را از نظر نظر به صنایع مادر و کشورهای امپریالیستی افزایش می‌دهد. متقابلا در همین شرایطی صنایع غیر وابسته و معمولاً متوسط و کوچک همچنان مکان رشد کماطلا مستقل نیافته و هر روز کمتر سرمایه‌های بزرگ و امتیازات ناشی از موقعیت استعماری آن دچار کود و ورستگی می‌گردند. بدین ترتیب تولید داخلی از رشد و تکوفا بی‌یاری مانده، نیروهای انسانی ما هر و متخصص فاضل و باطل می‌مانند. صادرات صنعتی تقریباً در حد فریاقی می‌ماند و ایران تبدیل شده

ایک در آستانه سالگرد بزرگترین تحول تاریخی ایران، تدارک گرفته ایم. ۲۲ بهمن سرآغا ز نویسی است بر سر گذشت غرور انگیز و نرافتخا از انقلاب ایران، ۲۲ بهمن تجلی خشم شکوهمند میلیونها توده ستم‌دیده علیه ۲۵۰۰ سال اسارت و بندگی است. نظام شاهنشاهی در این مقطع حساس از تاریخ ازم فرومی باشد و انقلاب گرچه بی‌سروزی نمی‌رسد اما دستاوردهای بی‌س عظیم و بی‌روز مندا نه به خودی خود ارمغان می‌آورد. اهمیت این تحول در حدی است که تحلیل از زمینه‌های اقتصادی - سیاسی قیام بهمن ضرورتی بیش از پیش می‌بخشد. مادر گذشته این زمینه‌ها را نشا جایی که می‌توانستیم بیان داشته باشیم و استک به مناسبت سالگرد این واقعه بزرگ تاریخ سروروی مجدد بر برخی جوانب آن می‌نمایم.

نگاهی به

زمینه‌های اقتصادی قیام:

رژیم سابق ایران یک رژیم سرمایه‌داری وابسته بوده است (که در جریان سرکوتی سلطنت تنها ضرباتی بر آن وارد آمد). این سخن بدین معناست که اگرچه مناسبات تولیدی و نیروهای مولده رشد یافته و به مرحله سرمایه‌داری رسیده، اما این تکامل و رشد بیوسند در زمینه‌های برنامه‌های امپریالیسم صورت گرفته است و از این جهت رشدی "طبیعی" را مانده دیگر کشورهای بزرگ سرمایه‌داری از سر - نکذرانده و همواره مواضع و محدودیت‌های بسیار ناشی از سلطه امپریالیست‌ها در مقابل آن سد بوده است. بنابراین سرمایه‌داری ایران بجای بالندگی و شکفتگی از درون دچار رکندگی و بیوسیدگی شده و تلاش آن را بسیار نزدیک گردانیده است. اما بهیچیم زوال درونی سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران در اواخر عمر رژیم پهلوی چگونه بصورت بحرانی‌ها حادث اقتصادی خود را نشان میداده اند. بدین منظور ابتدا نگاهی به تشریح‌های اقتصادی روزنامه‌ها در سال ۵۶ می‌افکنیم که خود می‌توانند نموداری از حدت بحرانی‌های اقتصادی و شکست رژیم از تنبیت سیستم اقتصادی حاکم بر کشور باشد.

واردات ۲۵ برابر صادرات شد. (آبندگان ۱۵ مرداد ۵۶)
قیمت‌ها در ۲۷ سال از ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ برابر افزایش یافت (آبندگان ۲۷ مرداد ۵۶)
صادرات ایران ۲۳٪ کاهش یافت (کسپان ۲۳ شهریور ۵۶)

در ۵ ماهه اول سال سرمایه‌گذاری خارجی در ایران ۲۵٪ افزایش یافت (کسپان ۲۶ شهریور ۵۶)
۶ هزار تن روغن نباتی خارجی ماه آینده به ایران می‌رسد (کسپان ۹ شهریور ۵۶)
در دو سال اخیر قیمت رسمی ۲ هزار درصد اضافه شد (اطلاعات ۱ شهریور ۵۶)
سخت‌نعمی کالاها تا ۶۵٪ افزایش یافت (آبندگان ۱۲ مهر ۵۶). در ۱۲ ماه قیمت، ۳۲۴ درصد افزایش یافت (آبندگان ۱۲ مهر ۵۶)



● ارتش ضد خلقی شاه، خلق را سرکوب می‌کند.
● بادست خالی تاکی می‌توان در مقابل اینها ایستادگی کرد؟

قیام ۲۲ بهمن ماه نشان داد که تنها خلق مسلح می‌تواند سلطنت را واژگون و بر امپریالیسم ضربه وارد کند

قیام و بورژوازی لیبرال

● قیام تنها اوج جنبش توفنده خلق نبود بلکه اوج خیانت بورژوازی لیبرال نیز بود.

جنبش توده‌های مردم که از اوایل سال ۵۵ روبرو اعتلا گذاشته بود، بعد از تسلط عام وحشیانه هزاران تن از مردم قهرمان ایران در تظاهرات ۱۷ شهریور ۵۷ در میدان شهدا و در سایر نقاط کشور به مرحله نویی از اعتلا خود ارتقا یافت. مردم بعد از آن با مطرح ساختن شعار سرنگونی رژیم پهلوی و با فشاری بر آن در تمام تظاهرات و اعتصابات سیاسی گسترده‌شان، شرایط را آرام آرام برای روزی که این شعار بصورت یک عمل قوری انجام پذیرد، مهیا ساختند. قیام خونین و شکوهمند ۲۱ و ۲۲ بهمن سال ۵۷ خلقهای ایران تجلی این سیر منطقی اعتلا جنبش توده‌ها بود.

در جریان گسترش و اجکیری مبارزات خلق ما، دوشمنی و دوساست در بر خورده مسائل جامعه بطور روشن تجلی گردید.

مشئ اول:

با مشئ انقلابی و دموکراتیک خواهان سرنگونی رژیم پهلوی، نابودی کامل سلطه نفوذ امپریالیسم، نابودی تمام سیستم سرمایه داری وابسته و نهادها و سازمانهای وابسته به آن و استقرار یک سیستم مردمی و خلقی بود. تمام زحمتکشان، همه اقشار خلقی، کمونیستها و نیروهای راستین انقلاب از همان اول طرفدار این مشئ انقلابی بوده و به آن پای فشردند.

مشئ دوم:

یا مشئ لیبرالی و سازشکار، خواهان سرنگونی رژیم نوسوده بلکه خواهان ایجاد یک سری اصلاحات و تعدیلات در رژیم ما بود. این مشئ

خواهان نابودی کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم و نابودی تمام سیستم سرمایه داری وابسته نبود، بلکه تنها خواهان تعدیل فشارات و انحازات و سرمایه داری وابسته بود. این مشئ از همان اول خواهان یک رفتم بود که میخواست دیکتاتور بورژوازی وابسته به دیکتاتور کلبورژوازی تبدیل گردد. این مشئ خواهان سلطنت شاه بود و احیاء قانون اساسی را آرزو می نمود.

طرفداران این مشئ لیبرالی و سازشکار اساساً بورژوازی لیبرال (بورژوازی متوسط غیر وابسته) است که طی سالیان گذشته از نظر اقتصادی بدلیل گه تازیهای سرمایه های بزرگ و وابسته عرصه بر آن تنگ گردیده و از اجابت سیاسی نیز بدلیل وجود دیکتاتور کلبورژوازی وابسته امکان قدرت و خودنمایی و استفاده از امکانات دولتی را نداشته بود. بورژوازی لیبرال زبون و بغایت فرست طلبنده است خواهان مبارزه با امپریالیسم و وابستگی مرتجع داخلی شان بود و نه میخواست آشکارا و در روی اوج توفنده مبارزات خلق بایستد. این مشئ خواهان موانع خروج و انقلاب سوار شده، هم بر سر انقلاب گویند و هم در نجات پیروز میند و اینها دیده شده. بورژوازی وابسته توفنده خلق قهرمان ایران به این مشئ خود نزدیک می شد، نمایندگان سیاسی بورژوازی لیبرال بعد از سالها "گوشه نشینی"، سکوت و زندگی آرام و جادار فشار، ستم و استعماری که توده های زحمتکشان تحمل می شدند، با به میدان "مبارزه سیاسی" میآوردند. و از طریق احیاء و ایجاد احزاب و جبهه های ورگشته

و کوناگون خودکوش می نمایند تا مانع از حرکت انقلابی توده ها شده و بدین وسیله با سوء استفاده از مبارزات توده ها به منافع طبقاتی خود هر چه بیشتر دست یابند. نگاه بی باک آنها نظرات رهبران شناخته شده این بخش از بورژوازی - دکتر سنجابی، دکتر سبحانی و مهندس بازرگان - در باره تشکیل دولت شریفی اما می این نوکر شناخته شده و کثیف آمریکایی برده از مواضع خدا انقلابی آنها بر می دارد. قابل ذکر است این اظهارات درست در زمانی که مردم مبارزات حق طلبانه شان بر علیه رژیم خونخوار پهلوی هزاران کشته و زخمی داده و مبارزات توده های مردم در آن وقت در یک سطح وسیعی از جامعه گسترش یافته بود. عنوان شده است. دکتر سبحانی در پاسخ این سوال که مهمترین وظیفه دولت جدید چیست، می گویند:

"... در سالهای گذشته امکان فعالیت سیاسی برای گروههای مختلف فراهم نبود و به همین دلیل بسیاری از نیروهای مبارز اجتماعی خود را کنار کشیده و یا در حاشیه فعالیت ادغام می دهند. در حال حاضر بسیاری از نیروها به میدان آمده و آماده فعالیت هستند. دولت جدید باید از این امکان استثنائی استفاده کند ..."

دکتر سبحانی در مورد فعالیت های اجتماعی آینده خود و همکارانش گفت: "ما تا کنون فعالیت مشخص سیاسی نداشته ایم و حرفه ای هم که در چند سال اخیر زده ایم خیر - خواهانه و در جهت منافع مردم بوده است که متاسفانه تا کنون بگوش کسی نرفته و بار آن تعبیر خام شده است."

وی افزود: "فعالیت ما در آینده بستگی به شرایط و اوضاع و احوال روز دارد...".
دکتر سنجابی نظر خود را در مورد سوال مربوط به دولت شریفی اما می اینطور بیان می دارد: "عجالتاً از اظهار عقیده معذورم - زیرا تا برنامه دولت جدید اعلام نغوردم نمی توانم اظهار خوش بینی بکنم. باید "عمل" در پشت کار باشد. تا چون حرف زیاده زده شده است. اگر دولت بخواهد یاد آوری کند ما حاضر به مذاکره هستیم...".

آقای مهندس بازرگان رهبر "نهضت آزادی ایران" نیز در سطحی که خبرگزاری فرانسه بنا کرده، برای رژیم می نموده که اگر نا رضایتی عمومی بر احزاب فائق آید نتیجه آن هرا میدی بسیاری اینکه آنها بتوانند خود را آینه های شکل بدهند از بین می رود. بازرگان گفت:

"این جنبش نیرومند و توانمندی و خود بخودی است، ما فقط می توانیم آن دنباله روی کنیم. نه اینکه آنرا کسب کنیم. زیرا نگذاشتند ما از طریق میتینگ های سیاسی نظر خود را بیان کنیم."

(روزنامه کیهان پنجشنبه ۵۷)
آقای مهندس بازرگان لیبرال و همکارانش در برابر تداوم و اجکیری جنبش توده ها و در مقابل خواسته های انقلابی آنها که خواهان انقلاب و سرنگونی رژیم



● در آستانه قیام هر شهیدی که در خون خود درمی غلطید، خلق فریاد می زند: رهبران سارا مسلح کنید... اما رهبران چه کردند؟! قیام بطور عمده با خون و فداکاری زحمتکشان به پیروزی رسید، اما لیبرالهای سلطنت طلب و فرصت طلبان از راه رسیده بودند حاصل آرا

پهلوی بودند سخت به وحشت و هراس افتاده بودند. آنها کوشش می کردند تا بر انقلاب توده ها میازده و حتی برای همین منظور ضمن مذاکره با آیت الله خمینی در فراسوی هواها موضوعی ملامت تر و معتدل تر از ایشان کردند. بدین قدرت اغزا بنده چنین توده های از یک طرف و قاطعیت آیت الله خمینی در مبارزه بر علیه آنها از طرف دیگر کوشش های لیبرال ها را برای مدتی نقش بر آب ساخت. لیبرالها بعد از اینکه موقع آیت الله خمینی را در نظر گرفتند، رژیم پهلوی و پیشرفت و موفقیت های جسمکیمیایی او را دیدند، این دفعه با تغییر بنا کتیک و از طریق تصدیق اسباب توانستند بر کرده انقلاب سوار شوند.

بعد از آمدن آیت الله خمینی به ایران در دو ازمدهم بهمن ۵۷ با زرگان از طرف آیت الله خمینی به نخست وزیر ویا ارتش که عموما به نخست آزادی ایران "بودند به پستهای وزارت انتخاب کردیدند. با زرگان از همان اول تمام مساعی خود را بیکار انداخت تا از طریق سازش و مصالحه با دولت لیبرال و سران ارتش و آمریکا انتقال قدرت را به نکل مسالمت آمیز و بدون آنکه به ارتگانها و نهادها ی رژیم ارتجاعی شاه مدمه ای بخورد به انجام برساند. با زرگان در اولین مصاحبه خود که بعد از نخست وزیر شدن انجام داد در مورد بختیار و ارتش و اینکه مذاکرات در چه مرحله ای است گفت:

"اجازه دهید که این موضوع را فعلا برای خودم نگفتم و جوابی ندهم".

(کسیان ۱۶ بهمن ۵۷)
همچنین کسیان در ۱۸ بهمن راجع به مذاکرات سری با زرگان با مقامات و رهبران نوشت:
"ساعت مطلع گفتم که در ۴۸ ساعت گذشته مذاکرات وسیعی را با زرگان با مقامات و رهبران گروههای مختلف برای تدوین برنامه احرائی با توجه به رویدادهای دوروز اخیر آغاز کرده است. ساعت مطلع یادآوری کردید که در این مذاکرات کوشش شده است که برای تغییرات سیاسی در رژیم ایران راه حل های مسالمت آمیز تهیه شود و طرفین کوشش کرده اند کسی که در مذاکره با زرگان ستمگرانه است"

مسای مذاکرات مورد توجه قرار دهند".
آمریکا و مرتجعین داخلی نیز سازش و مصالحه را بهترین راه حل تشخیص می دادند. کسیان در اوایل بهمن از قول یک مقام بلند پایه آمریکایی نوشت:
"اگر هر وسیع ممکن ادا می شود میگردند دولت فعلی ایران به کشور با برگردد "برخوردی" بوجود خواهد آمد و این خطر را درخواهد داد است که "عنا صرا دیگال" برای بدست گرفتن قدرت را آن استفاده نماید.

در حالیکه توده ها در تب صلح شدن برای سرنگونی رژیم شاه می سوختند، بورژوا لیبرالها در پشت پرده برای به سازش رسیدن با بختیار خائن و فرماندهان جلاد ارتش پلک برهم نمیگذاشتند.

۱۶ بهمن - بازرگان راجع به مذاکرات سری با مقامات رژیم سابق می گوید: "اجازه دهید این موضوع را فعلا برای خودم نگفتم و جوابی ندهم!"

۱۸ بهمن - اعلام مذاکرات ۴۸ ساعته بازرگان و... با بختیار رود یگر مقامات برای رسیدن به راه حل مسالمت آمیز.

۱۹ بهمن - اعلام مذاکرات مهم بین بازرگان، بختیار و فرماندهان ارتش

۲۰ بهمن - توطئه های خائنانه لیبرالها - اگر چه بطور موقت - نقش بر آب می شود و خلقهای ایران قیام پرشکوه را می آفرینند!

دوروز پس از انتخاب با زرگان به نخست وزیر موقت هودینگ که در "ره" نخست وزیر با زرگان گفت:
"حققت اینست که کسی توان در نظر اندوم عظیم خیالی ملی را در دست آیت الله خمینی در دست گرفته است. دریا ریش وین از با رگشت به تهران نایدید کرد".
(مطبوعات ۱۸ بهمن ۵۷)
همچنین مطبوعات در روز ۱۸ بهمن به ره مذاکره یکجا هد و نرال ها نیز با فرماندهان ارتش نوشتند که به عقیده "نرال آمریکایی" کودتا در خدمت عمل نوا می خورسری دست تمهید این زود در این شرایطی نتیجه است. "مجموعه این حرفها و حقایق بسیار دیگر نشانده توافق ضمنی بین ارتش و زواری لیبرال با زرگان - بیستی و... و دولت



رهبران توده ها و توده ها هستند آنها را مسلح کنند، سایرین خود اینکار را عمل نایند گرفتند

بختیار و ارتش و آمریکا برای یک سازش و مصالحه ای بودند تا انتقال قدرت بصورت کاملاً مسالمت آمیز و "قانونی" انجام یافته تا هیچ صدمه ای برای رگانها و نهادهای سرمایه داری وابسته وارد نگردد. در روز نوزدهم بهمن ماه ضمن اینکه ارتشید قهرمانی رئیس ستاد بزرگ ارتش را از ارتش را از داخلت در مسائیل و امور سیاسی بر حذر می داشت، مطبوعات آن روز خبر از مذاکرات مهمی بین با زرگان، بختیار و ارتش برای پیدا کردن راه حلی برای پایان بخشیدن به

۱۶ بهمن - بازرگان راجع به مذاکرات سری با مقامات رژیم سابق می گوید: "اجازه دهید این موضوع را فعلا برای خودم نگفتم و جوابی ندهم!"

۱۸ بهمن - اعلام مذاکرات ۴۸ ساعته بازرگان و... با بختیار رود یگر مقامات برای رسیدن به راه حل مسالمت آمیز.

۱۹ بهمن - اعلام مذاکرات مهم بین بازرگان، بختیار و فرماندهان ارتش

۲۰ بهمن - توطئه های خائنانه لیبرالها - اگر چه بطور موقت - نقش بر آب می شود و خلقهای ایران قیام پرشکوه را می آفرینند!

شرایط موجود را داد.
آن روزها مردم قهرمان و جان برکف حداقتل توجهی به این مذاکرات و زدوبندهای بیفایده انداختند. بورژوازی لیبرال با سران ارتش و بختیار ندا شدند. توده ها همچنان خواهان سرنگونی رژیم پهلوی، نابودی کامل سیستم سرمایه داری وابسته، نابودی سلطه و حاکمیت امپریالیسم و نابودی تمام ارتگانها و نهادهای ارتجاعی و ادا همه انقلاب تا به آخر بودند. آنها در کوجه و خیابان خود را برای چنین روزی و بجا طرببارزه عظیم توده ای بر علیه دشمن خونخوار آماده میکردند. آن روز، روز قیام مسلحانه بود. مردم همه فزیا دیدند، فزیا برای مسلح شدن، همه جا این شعارها شنیده می شد "بعد از شاه نویت آمریکا است"، "ایران ما را مسلح کنید" و... همه ایران منتظر بود، منتظر زمان شروع یک آفرینش تاریخی. لندن، کشورهای قیام "درباره خود قیام چنین تذکرمی -

دهند.
توده ها با پیدا شدن که بسوی یک مبارزه مسلحانه، اولین و تالی ای جان می روند. حسن تحقیر و ستم بی حد و بی پایان توده ها شیوع یابد و بیرون را تضمین کند. تعرض دشمن با حقوق العاده جدی باشد. شعار توده ها باید ترسناک باشد، نه دفاع. وظیفه نابودی بی رحمانه دشمن و طیفه آنها خواهد کردند...
حسن تحقیر نسبت به مردم توده ها شیوع یافته بود، حمله شبانه کار در ۲۱ بهمن ماه با دکان فرج آبا دنیروی هوا و نیروی پرسنل نیروی هوایی یکم مردم که به کمک آنها شناخته بودند، عملاً آغاز قیام بود. روز ۲۱ بهمن با اعلام اینکه حکومت نظامی تهران ساعت منع عبور و مرور بقیه در صفحه ۹

قیام ۲۲ بهمن بار دیگر ثابت کرد که در انقلاب خلقها بدون رهبری طبقه کارگر نابودی ارتجاع و محو سلطه امپریالیسم امکان پذیر نیست

دستخوش دادن به ضدانقلاب و سرکوب نیروهای مترقی : این است گوشه‌ای از کارنامه حکومت بازرگان و شورای انقلاب

در یکسال گذشته تیمساران شاهنشاهی و جاسوسان امپریالیسم بسیاری از مواضع حساس را در دست گرفتند

دولت موقت با زرگان و پادگان‌ها پس از روی کار آمدن، تنفر خویش را از قیام مکتوب کرده‌ها بنمایش گذاشت. همچنانکه با زرگان در رابطه با قیام مهمن ماه‌ها رها اعلام داشت: "ما با ران می‌خواستیم اما بدبختانه (!!) سیل آمد (!!)". در این میان برای بازاری خرابی‌هایی که هر دو بخش را شبن دولتی - نظامی و اداری - از سیل خروشان طغ در بهمن ماه مدیریت کرده بود، دست بکار شد. اما به کسانیکه جز دستپروردگان رژیم سابق - آنان که خوش خدمتی خود را به امپریالیسم ثابت کرده بودند - می‌توانستند چنین وظیفه‌ای را بدرستی به انجام برسانند؟ از این رویبرسریک یک عمال امپریالیسم آب‌توبه‌ریخته میشود و جلادان و غارتگران دسترنج توده‌ها، همانها که سالها بر جنازه شهیدان خلق بهرقص ویا یقوی برداخته بودند، نشان انقلابی و "اسلامی" دریافت میکنند. در فریاد قیام توده‌ها، معاونین فرماندهان مزدور ارتش بجای روسایشان برراس قوای سگانه قرار می‌گیرند. فریبدها، مهدیون ها (۱)، مدنی‌ها، اردلان‌ها، مولوی‌ها ... بریستهای حساس مملکتی نشاننده میشوند. اما شورا انقلابی توده‌ها بسیار با لاست و دولت موقت برای پاسخ موقت به آن چاره‌ای جز با زشتی کردن بخشی از فرماندهان شناخته شده ارتش و بوروکراتهای رژیم‌ها نشان نداد تا زمینه‌ای برای گزینش عناصر وابسته به امپریالیسم که کمتر دستشان در زدن توده‌ها روده‌ها شده‌ها پیدا دهنماید، یا آوری چندچهره از این

عناصروا بسته میتوانند نمونه‌ای از سازش لیبرال‌ها با امپریالیسم و وابستگی را بخوبی نشان دهد:

امیر انتظام

سختگیری دولت موقت "انقلابی":

مزدوری که با زرگان دربارهای می‌گفت: نمی‌توانم با کتک زیزدی، امیر انتظام موصفا غیبان را پیدا کنم". این سرسپرده امپریالیسم آمریکا با بیشرمی و گستاخی تمام در تلویزیون ظاهر میشدند و نیروهای انقلابی را "ضدانقلاب" معرفی میکرد.

تیمسار زنی

کتابخانه ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در مقام معاونت تیپ ارتش تهران به کشتار و سرکوب انقلابیون این شهر پرداخته شد. زنیها هم از این قهرمان بیگانه‌ها چشمی مسموم. وی در نوروز سال ۱۳۳۴ به دریافت یک قطعه زمین ۱۰۰ متری از دست "مبارک" اعلیحضرت مفتخر میگردد. او از آن سال ۱۳۳۶ به معاونت کل ستاد ارتش تهرانتی می‌رسد. قره‌نسی در مورد خودش می‌گوید: "در مورد من نمیتوانیم باید بگویم که من از سال ۳۳ تا ۳۷ رئیس مرکز بودم". در این فاصله رکن دوم ارتش یا به تعبیر دیگر "ضد اطلاعات" که بعنوان شعبه‌ای از ادارات موسی آمریکا در درون ارتش ایران کار میکرد، تعداد کمی از انقلابیون جان بزرگوار و جمله افسران و نظامیان میهن پرست را به جوخه اعدام سپرده بود.

تیمسار شاکر:

یکی از نزدیکترین دوستان شاه که سالها در "دفتر ویژه" اطلاعاتی ارتش خدمت میکرد. دفتر ویژه اطلاعاتی جزء قسمتهای محرمانه ارتش و رابط شاه با دستگاه دولت بود که سالها امنیت و ضد اطلاعات ارتش را تحت کنترل خود داشت. او جزیره اولین سری از امرای ارتش بود که از تاریخ اسفند ۵۷ با زشتی شده و بعداً با زداشت دوم ماه در زندان بسر برد.

تیمسار فلاحی:

که از دوستان نزدیک سرلشکرای و بی‌خا شن بود درجه سرتیپیش را بعد از ۱۷ شهریور گرفته و زمانی فرماندهان قیام را در رژیم شاه خا شن بهمه داشته. وی قبلاً بستهای همچون معاونت غذا اطلاعات نیروی هوایی، معاونت تیپ پیا ده شیراز و ... را بعهده داشت. در جریان مبارزات غذا امپریالیستی در سرکوبی مردم مبارز شیراز دست داشت. پس از قیام وی بعنوان یکی از مزدوران رژیم گذشته با زشتی میشود ولی بعد از چند روز به فرماندهی نیروی زمینی منصوب می‌گردد.

سر تپ آذری:

که در سال ۱۳۵۳ درجه سرهنگی داشت و یکی از فرماندهان ارتش مزدور شاه در ظفر بود. وی پس از قیام به فرماندهی غرب کشور گمارده شده است. در اینجا میتوان از جراثیمها، ظهیرنژادها، مدنی‌ها، اردلان‌ها، مولوی‌ها و تعداد دیگری مزدور دیگرنما مبرد. تنها در ارتش ایران به گفته پنتاگون "۱۵۰۰۰۰" افسر با تمام یالات طرفدار آمریکا وجود دارد.

دولت موقت در ماههای پس از قیام، با کینه به اعمال قهرجناح خرده بورژوازی مرفه (سنسی) نسبت به مزدوران رژیم گذشته می‌نگریست. پس از هر اعلام انقلابی زنجیوره سرما به‌دازان لیبرال و وابسته دولت موقت بلند میشد و از اعمال "قساوت" نسبت به این دوستان نشان برخوردی نالیدند. هر چند این اعمال قهر انقلابی نه‌انگونه که توده‌ها می‌توانستند، بلکه ناقص و ناپیگیر بود. نگاه بی‌لیست اعلامی انقلابی بعد از قیام نشان میدهد که از مجموع حدود ۲۷۰ نفر اعلام شده از ارتش و نیروهای انتظامی ۵۰ نفر (۲۸٪) دارای رتبه سرهنگی و بالاتر از آن ۲۱ نفر (۸٪) دارای درجه سرگردی و ۱۷۴ نفر (۶۴٪) دارای درجه سروانی و پائین‌تر بوده‌اند. همچنین تاکنون تنها حدود ۶ نفر ساواکی و حدود ۱۸ نفر از نزدیکان رژیم شاه و حدود ۳۵ نفر از دیگر وابستگان مزدوران رژیم سابق اعدام شده‌اند. در این بین به بسیاری از امثال شیخ الاسلام زاده‌ها توانستند از جنگ انتقام خلق بگریزند. در حالیکه امثال "سپیدنا صرصر پاز مند" رئیس ستاد لشکرگارد در جریان وقایع ۱۵ خرداد ۴۲ و معاون همان هنگ کننده ستاد کل ارتش در جریان مبارزات سالهای ۵۶ و ۵۷ فقط به ۳ سال حبس تادیبی (!!) محکوم میگردد، و "سرهنگ پرویز غفاری" رئیس گارد شاهنشاهی تهران، عامل حمله بکوی دانشگاه و



بعد از ظهر ۲۱ بهمن سرتاسر تهران سنگر بندی شد، مردان و زنان حتی کودکان نیز دست بکار شدند

درود بر تمامی شهدای راه آزادی و استقلال میهن

سرکوبی دانشجویان مبارزان "سرهنگ شاه بیگی" عامل قتل استاد شهید کامران نجات الهی بجرم نبودن مدارک کافی (۱) از زندان آزادی گردید، تعداد زیادی پانزده، گروهیان و... که بدستور همین امرا (وجه سازوری ناآگاه) به سرکوب خلصق پرداخته بودند، به تعداد محکوم میشوند.

دولت موقت که اعمال قهر انقلابی نسبت به وابستگان رژیم خائن را به وحشت افتاده بود، دست به تلاش گسترده ای زد و در آنجا مدرستانه نوزده، ۵۸ امیرانتظام جاسوس، سرکوبی دولت موقت اعلام نمود که بزودی فرمان "عفو عمومی" صادر میگردد. "عفو عمومی" به جانی که بیش از ۲۰ سال زندان را به شهادت رسانیده، بیش از ۱۰۰۰۰۰ زندانی زخمی نموده و سالها به شکنجه بهترین فرزندان خلق در زندانهای قرون وسطائی رژیم شاه خائن مشغول بودند، تقدیم گردید. "عفو عمومی" دستخوش بود رانی بود که سالیان دراز دسترنج توده های زخمی را بجیب اربابان امپریالیستشان سرازیر نموده بودند.

با زرگان، رئیس دولت موقت درحماست از مزدوران امپریالیسم با از این فراتر نهد و حتی از ساواکیها نیز حمایت کرده و از وجود "اعتراض" و "اعلامیه" در درون ساواک بر علیه رژیم شاه خیر میدهد (!!). (پیام مطبوعاتی با زرگان، کیهان ۱۳۵۸/۲/۵)

اما میوه چنان انقلاب اگر اینچنین به ضد انقلاب دستخوش میدهند، با انقلابیون میهنمان چگونه برخورد می کنند؟

کمیته های اما مدبریدوا مربعیون ارگان قدرت خرد بورژوازی مرفه (ستنی) هموارا شروع تشکیل خودتیا مرحله حل شدن در دولت - ۳۰ تیر - دوگرایش انقلابی و ضد انقلابی را با خود حمل می نمود. در کنار اعدا ما انقلابی وابستگان رژیم سابق، میتوان از اعدا محمودرئیس بجرم ما دره با تک ما درات در دوره بختیار، حمله به کارگران با رس مینو و زخمی نمودن ۱۶ نفر از آن، حمله به کارگران بیکار امفهان که منجر به شهادت رفیق ناصرتوفیقیان و زخمی شدن عده ای دیگر گردید و... و نیز نمونه های فراوانی از دستگیری و شکنجه انقلابیون را توسط کمیته های اما میدآوری نمود. هر روز که از قیام میگذشت، گرایش انقلابی این ارگان کم رنگ تر و گرایش ضد انقلابی آن پررنگ تر می گردید تا سرانجام در ۳۰ تیر با ادغام شورای انقلاب و کمیته ها در دولت سرما به داران لیبرال و کمپرادور، بورژوازی توانست این ارگانها را به زاید خود تبدیل سازد و از آنها چاقی برای سرکوب هر چه بیشتر انقلابیون فراهم سازد.

اما دولت موقت بعنوان ارگان قدرت لیبرالها و کمپرادورها، از همان ابتدای روی کار آمدن به توطئه بر علیه انقلابیون پرداخت. امیرانتظام تجدید دستگاه جهنمی ساواک را به توده ها بشارت داده و اعلام نمود: "یک گروه سه نفره برای تصفیه سازمان امتیث اعزام شده اند، این سازمان و سایر سازمانهای عظیمی داردهک میلیاردها دلار ارزش

دارد... و از آنجا میشود برای کنترل بیگانگان و جاسوسان خارجی استفاده کرد" - کیهان ۱۳۵۸/۱/۱۱ - واضح است که از دید این مزدور امپریالیسم آمریکا، جاسوسان خارجی کسانی جز انقلابیون میهن نیستند.

شورای انقلاب نیز در تاریخ ۴ تیر ماه ۱۳۵۸ قانونی بنام "قانون جرائم ضد انقلاب" را در روزنامه ها چاپ می رسد که بخش مهمی از آن، دستبخت رفاخان و پسر مزدورش می باشد. و بخصوص ماده ۴ این قانون همان قانون سیاه ضد کمونیستی ۱۳۱۰ رفاخان است. این قانون به کارگران مبارزان و زود عده ۲ تا ۱۰ سال حبس برای اعتراض، علیه سرمایه داران میدهد.

مربوط به کمیته ها و شورای انقلاب میگویند که کمیته پشت سفارت آمریکا به ما مربوط نیست اما هیچ کس نمیداند منبع قدرت این کمیته کجاست... "سعادت هوزد زنده انهای رژیم گرفتار است".

دستگیری حامد شیبانی و نیز ۴۱ نفر از اعضاء و هواداران چریکهای فدائی در خوزستان.

بازداشت رفیق افخم احمدی عضو گروه "رزمندگان آزادی طبقه کارگر".

و اخیراً دستگیری رفیق "محمد یزدانیا" عضو گروه "اتحاد مبارزان رده در راه آرمان طبقه کارگر"، مبارزی که ۱۲ سال در جبهه خلق بر علیه امپریالیسم و

دولت موقت که از اعمال قهر انقلابی نسبت به وابستگان رژیم خائن شاه بو حشت افتاده بود، دست به تلاش گسترده ای زد و سرانجام در آستانه نوزده، ۵۸ امیرانتظام جاسوس، سرکوبی دولت موقت اعلام نمود که بزودی فرمان "عفو عمومی" صادر می گردد. "عفو عمومی" به جانی که بیش از ۲۰ هزار نفر را به شهادت رسانیده، بیش از ۱۰۰۰۰۰ زندانی زخمی نموده و سالها به شکنجه بهترین فرزندان خلق در زندانهای قرون وسطائی رژیم شاه خائن مشغول بودند، تقدیم گردید. "عفو عمومی" دستخوش بود رانی بود که سالیان دراز دسترنج توده های زخمی را بجیب اربابان امپریالیستشان سرازیر نموده بودند.

ارتجاع داخلی بیکار رنموده است. یکی دیگر از توطئه های رژیم بر علیه انقلابیون بقیه در صفحه ۱

(۱) - این روزها قصدا رنمیدین - فرمانده سابق نیروی هوایی دولت موقت "انقلابی" - را محاکمه نماید. روزنامه "اطلاعات" در تاریخ دوشنبه ۸ بهمن ۱۳۵۸ از قول مقامات رژیم اعلام نمود که مهذبون به همراه گروهی دیگر بجرم وابستگی به رژیم سابق مورد محاکمه قرار خواهد گرفت.



رژیم سابق توطئه های بی با رزه با انقلابیون میهن می نمود. از در پی سرکوب خلق عسرب توسط مدنی جلا داد کثیری را از انقلابیون منطقه تحت عنوان "ضد انقلاب" برده گشته، اسلحه از عراق و... به جوخه اعدا سرده میشوند. پس از یورش به کردستان و در پی آن قتل و غارت قهرمانان خلق کرد نیز بسیاری از نیروهای انقلابی منطقه در پیدا دگا های خلخال به اعدام محکوم می گردند. تنها در ماه های مرداد و شهریور ۱۰۰۰۰۰ مورد اعدام ضد انقلابی توسط رژیم انجام گرفته است. انقلابیونی چون بهمن عزتی، هرمز جسی بیانی، دکتر رشوند سرداری، حامد مینی، ناصرتوفیق سلیمی، امین و مصطفی سلطانی و دهها رنمیده را به "خلق ضد انقلاب" نام گرفته و قلب پرطیش آنان را با گلوله های دژخیمان قرار میگیرد. گرجی بیانی به همراه بهمن عزتی، مظفر فتحی، هوشنگ عزیززی و مبارز دیگر در سرگاه خونین ۲۸ مرداد به شهادت می رسند. برآستی چه دردناک است که پس از قیام خونین توده ها، خلق کرد در چنین روزی شاهد بخون غلطیدن فرزندان خود باشد.

هیئت حاکم تنها به کشتار انقلابیون میهن بسنده نکرده و انواع توطئه ها را در مورد آنان بکار گرفته است. بسیاری از مبارزان تا کنون دستگیر شده و مورد شکنجه و آزار قرار گرفته اند که بعنوان نمونه میتوان موارد زیر را ذکر نمود:

دستگیری و شکنجه مجاهد محمد رضا سعادت که توسط کمیته پشت سفارت آمریکا بوسیله عمال ساواک انجام گرفته است. این عمل آنچنان و بیخانه و دهن - کجی به قیام خلق بود که حتی صدای اعتراض لیبرال - هائی همچون بنی صدر را در آورد. روزنامه "انقلاب اسلامی" در آن هنگام نوشته بود: "همه مقامات

ماسک آزادی خواهی و ضد امپریالیستی لیبرالهای سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان برداریم

آیا در طی یکسال گذشته وضع زنان تغییر کرده است؟

آیا در آینده قانون دست پخت خبرگان آزادی واقعی

زنان را تضمین میکند؟

توسط مردان و زنان را می آورد و در مقابل اشاره میکند به قوانین اسلامی که این تساوی را نادیده می داند.

از دیدگاه ما شکی نیست نهفت آزاد میخواهی زنان که در یک دوره در مالک غربی اوج گرفت دقیقاً برای زیرا استنما رکرفتن نیروی کار را زن زنان بود، بدون اینکه زمینه های فرهنگی واجتماعی را برای ریدنا و فراهم کند، بدون اینکه اجازه رشد و رسیدن به مقامات میمرا در دستگا های دولتی و... بیوی بدهد. فقط و فقط استفاده از نیروی کار را زن وی نسبت به مردان مورد نظر بوده و نه رشد قوه ابتکار و استعداد موجود در یک انسان. در مقابل، موازین اسلامی نیز بیوعی از رشد زنان جلوگیری میکند. همین کتاب می خوانیم: "لذا نه تنها مصلحت زن، بلکه مصلحت مرد و کودکان خانوادگی نیز در اینست که زن از تلاشهای اجباری خودکننده معاش معاف باشد. مرد هم میخواهد که نون خانوادگی برای او کانون آسایش و رفح خستگی و فرا موشا نه گرفتاریهای بیرونی باشد. زنی قادر است کانون خانوادگی را محل آسایش و فرا موشا نه گرفتاریها قرار دهد که خود به اندازه مردی در خسته و کوفته کار بر بیرون نباشد. وای بحال مردی که خسته و کوفته با بخانه بگذارد و بیا همسری خسته تر و کوفته تر از خود روبرو شود."

در حقیقت این فیلسوف اسلامی علت خستگی و کوفتگی هر یک از زن و مرد را جویا نمی بود و بر سیستم سرمایه داری و بر این که تمام توان زحمتکاران را در طول روز میکشند و بیه ارزش اضافی تبدیل میکنند، سرش می گذارد. مسئله همین جاست که چنانچه سیستم کامبرجاصه منافع و خواست بوده های مردم را در نظر داشته باشد، هیچک، چه زن و چه مردان زکام

بیرون خانه (برای زنان کارگر) و بدوش کشیدن مسئولیت های خانه از یک طرف و فرهنگ عقب مانده از طرف دیگر که بر تنه ها حکم میراند، اجازه یک حرکت بنیانی را به آنان نمی دهد.

اما قوانین خبرگان چگونه در عقب نگاهداشتن زنان نقشی دارند

در اصل بیستم چنین نوشته شده است: "همه اقدامات اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی سر - خوردا را در دستت این اصل زن و مرد هر دو میتوانند از حقوق انسانی و سیاسی و اقتصادی و... با رعایت موازین اسلامی برخوردار باشند. در این اصل مساوی بودن در مقابل قانون سرخ نشده است یعنی بیان نکرده که زن و مردان در مقابل موازین فوق مساوی هستند و استفاده از این حقوق در محیط رعایت موازین اسلامی در نظر گرفته است! برای آنکه اصول خبرگان را از زبان صاحب نظران اسلامی تفسیر کنیم به کتابی از آیت الله مطهری **انوار کشف** در کتاب "نظام حقوقی زن در اسلام" ایشان، صفحات ۱۰۹ تا ۱۱۱ (نقل بمعنی) چنین بیان میکنند که فلاسفه غرب زنان و مردان را در همه امور مساوی میدانند و بر این اساس سالی میزند و انجام کارهای سنگین در یک کارخانه

آیا در آینده قانون دست پخت خبرگان آزادی واقعی زنان را تضمین می کند؟ آن روز غرض خلفهای مسلمان ما را بلرزه در آورد آن روز خون سرخ شهیدان را بیروزی خلق را کلکون نمود. آن روز سیا هیبا و سیاست های بیحد دوران پهلوی به زیباله دان تاریخ سپرده شد. آن روز خلق بود و خون، خلق بود و مسلسل... خلق بود و اتحاد... و زنان، این ستمیگان قرنهای میهنسند که طومار خرافات و تفکرات عقب مانده را در هم پیچید و قوانین ظالمانه اجتماعی را که هزاران سال است بر کرده زنان رنج دیده سنگینی میکند، زیرگامهای استوار خویش لکد کوب نمائید و در این روز... زن بود و خون... زن بود و مسلسل... زنان بودند و مردان و آنان یکبار چه همچون تنی واحد، مشت خویش را بسوی خونخواران و استعمارگران و استنما رگبران پیرتات کردند و با دیگر غرض شیر زنان این سرزمین زنان مبارز و فداکار دوران شروطیت و مساویان ستارخانی را با خاطر آوردند... اما...

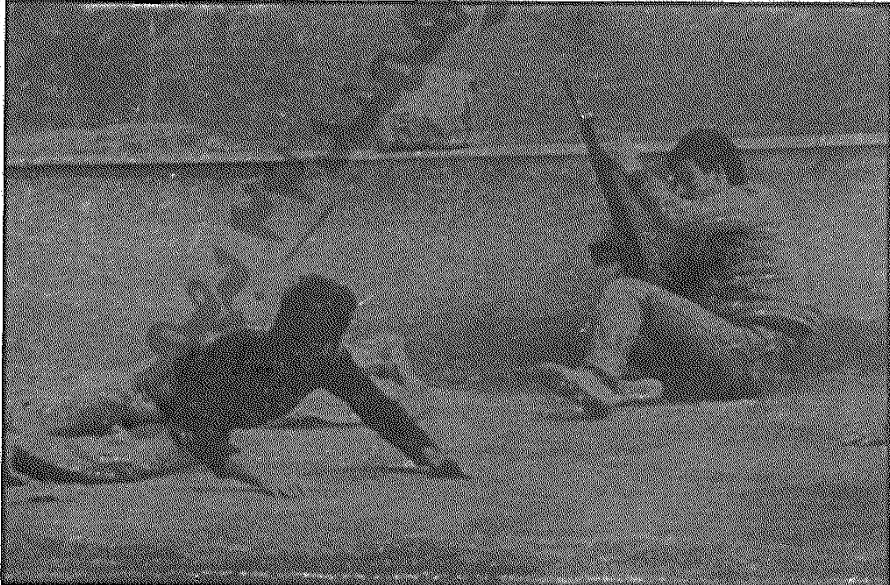
در سال گذشته ما شاهد اعتبارات در کارخانجات مختلف و نیز تظاهرات کارگران بیکار برای گرفتن یکی از حقوق حق خویش یعنی محل و مکان برای مشورت و تبادله نظرات خویش بودیم.

بعد از قیام بیستم ماه تا چند ماه توده های زحمتکش خلق را با شیوه صبر و انتظار ساکت نگه داشتند اما دعوت به صبر و انتظار چندان دوامی نیاورد و ما شاهد مبارزه در کارخانجاتی که زنان نقش مهمی را در تولید اربند بودیم، مانند کارخانه های دکسیر عنبیدی، که به بیروزیها می نزدیکت یافت، نخ زریں، استارلایت (که تجربه درس آموزی برای همه کارگران داشت)، دوزندگی ناظمی (که شرح آن در پیگارا ۲۹ آمده است)، کفش ملی بخش کابور، همچنین کفش وین، شادان یورو... و اخیراً فرقه زیبا نمونه های بالا نشان دهنده و جگربری مبارزه در میان زنان کارگراست.

همچنین در اسفند ماه هادیویم که امکان کار را از زنان قاضی گرفتند و به آنها گفتند که حق کار در این رشته را ندارند. بهتر است که بکارآموزگاری و پرورش کودکان نشان برده اند.

فریاد قیام برای پیگار با بیسوادی

از نظر فرهنگی شمار آموزش بیسوادان اینتروزها کوش را گرمی کند. بنیتم آیا زنان جامعه از این شرایطی که تفسیر بر بنیانی در وضعیت بفرنج آنان نمی دهد چه بهره ای می برند؟ کلاسهای بیکار با بیسوادی تشکیل میشود. اما زنان کمترین افرادی هستند که در آن شرکت میکنند چرا که اصلی ترین اشتغالات آنان یعنی کار در



● بیکارجویان برای تسخیر یک پادگان ارتشی سنگر گرفته اند...

۲۲ بهمن اولین سالگرد قیام مسلحانه و شکوهمند خلقهای ایران گرامی باد!

روز انداخته خواهند شد. چنانچه در یک جامعه سوسیالیستی افراد بشر را می‌کنند که بتوانند و نبینند بهتر. در حالیکه کسانی مثل آیت الله مطهری علاوه بر تواندن ما همه مستمها اجتماعی - اقتصادی جامعه زنان راه پدر را می‌سیند و اجازه برای شرکت در تولید جامعه و نیز در کارهای اجتماعی و اجتماعی را می‌دهد. مثلا از نظر اقتصادی شرکت زنان در تولید را چنین مطرح می‌کند: (ص ۲۲۵)

"زن از حسمه مالی و مادی و نگاه زنده مرد فربیده شده است و مرد را رنجبر روحی، زن بدین انکاء بمسرد نتواند انبساطهای فراوان مادی خود را که چیزی برابر مرد است رنج کند. از این رو اسلام همه انبساطی زن را ببطور انکاء اومعین کرده است..."

محرور شدن زنان را از نظر فرهنگی و سیاسی و اجتماعي در ۱۵۱ می بینیم: "... هیچکس را رنجبر انستفکریا انسا دیا معلم یا افسرویا سربا زیا و زیر بنا نیا مده است ، اینها مزایا و خصوصیات است که حق انکسائی بشر است ، یعنی افراد در برتسو لیاقت و استعداد و کار و فعالیت با بد آنها را از اجتماع کنترت و احصاء با یک قانون قرار دادی آنها را بد افراد خود و اکدا رمی کند..."

یعنی جامعه بین افراد از نظر طبیعی اختلافاتی وجود داشته باشد اما اختلافات بتدریج موجب مساوی شدن در استفاده از حقوق می گردد. از جمله اجزای رستنیای اجتماعي و تحصیلات و... تمام مطالب بالا نشان می دهد که چگونه اصل ستمناوی اساسی زن را بواسطه اختلافات از نظر حتمی بتدریج در کسب حقوق و مزایا در اجتماع از مردان عقب نگاه میدارد.

در اصل بیست و یکم چنین آمده است: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات برابر با مردان مساوی اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱- ایجاد زمینه های مساوی برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

۲- احیای حقوق مادی یعنی چه؟ توضیح آنرا از همان کتاب بی آوریم، در صفحه ۲۳۴ میخوانیم:

اکثرن محبوسیا شده اند مرددا شما در تلاش و کوشش و در حال دودیدن و ببول درآوردن باشد، غرور سن در هم می نیند، جین ها و کوره های که گرفتار بیبای مالی به چیره و ابزوی مردانداخته است در چیره و ابزوی او پیدا خواهد شد. مگر رستیده شده است زنان غریبی که بیچاره ها در کارها و کارها و کارها و کارها را در تلاش معاشند، آرزوی زندگی زن را در اندویدیهی است زنی که آسایش خاطر ندارد و فرصتی نخواهد یافت که خود برسد و ما به سرور و بیعت مردنیز واقع شود..."

احیای حقوق مادی زن تکیه بر مردان ندارد!

احیای حقوق معنوی یعنی چه؟

مثلا در مورد طلاق: "... سردی و خاموشی علاقه مرد، مرکز ازدواج و بیایان حیات خانوادگی است. ما سردی و خاموشی علاقه زن بر مرد اثر بصورت مریضی در روحانیت او ایجاد میکند و او را در...

صورتیکه بی علائقی از زن شروع شود مرد اگر عاقل و وفا دار باشد می تواند با ابراز محبت و مهریابی نسبتی علاقه زن را بنا کرده اند... ولی برای زنان امانت و غیر قابل تحمل است که برای حفظ حاکمی و دلپایا خنده خود بزرگوار جبار قانون متوسل شود". (ص ۲۸۵)

مبتنی برای نوشتن یعنی در صورت بالا مرد حق طلاق دارد، ولی زن نباید برای زندگی که دیگر امیدوی به بهبودیش نیست اقدام برای طلاق نماید.

و مهمتر اینکه در ۲۱۲ چنین می گوید:

"در اینجا ذکر یک مطلب لازم است و آن اینکه همه سخنان ما در باره این بود که طلاق بصورت یک حقیقت طبیعی از مختصات مرد است اما اینکه مردمی تواند بعنوان توکیل مطلقا یا در موارد خاصی، از طرف خود به زن حق طلاق بدهد مطلب دیگری است..."

یعنی زن حق طلاق ندارد مگر خود مرد در زمینه عقد بوزن اجازه طلاق را بدهد.

همچنین در بند ۵ اصل بیست یکم میگوید:

"عطای قیمومت فرزندان به مادران ثابت شده در جهت غنطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی"

عنوان کردن مادران شایسته یعنی چه؟ محبول است. مادران شایسته از نظر قانون اساسی کیست؟ و بعد هم یک شرط دیگری یعنی در صورت نبودن ولی شرعی یک مادر شایسته می تواند از فرزند خود نگهداری کند در صورت نبودن ولی شرعی مادران شایسته با زهم نمی تواند خود به نگهداری از فرزند بپردازد.

x x x

ما معتقدیم که فقط در صورت استقرار جمهوری دموکراتیک خلق، زنان همچون بقیه اقشار متمکن جامعه از قید استثماریها خواهند شد، ما معتقدیم، فقط جمهوری دموکراتیک خلق قادر خواهد بود حقوق با ایمال شده زنان را احیاء کند و برنا مدموقت ما در مورد زنان چنین است:

- تساوی حقوق کامل همه اتباع، صرف نظر از جنس دین یا نژاد.

- تامین آزادی زنان و تامین شرایطی که استعداد آنان شکفته شده و بطور مساوی همراه با مردان به شریک و جبران عقب ماندگی اجتماعی خود اقدام

با مبارزه قهرآمیز توده های، انقلاب راه آخر برسانیم

شماره ۲۲
۱۸ بهمن ۵۸

اگر واقعا مبارزات نابودی قطعی رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و قطع سلطه و نفوذ امپریالیستها و بخصوص امپریالیسم امریکا در ایران هستیم، و اگر میخواهیم یکبار دیگر تجربه شوم ۲۸ مرداد ۲۲ و انقلاب مشروطیت بوقوع نپیوندد، باید به مبارزه قاطع و قهرآمیز علیه امپریالیستها و رژیم سرمایه داری وابسته به آنها بپردازیم. هرگونه دستکم گرفتن قدرت دشمن و هرگونه کسم بها دادن به سلب قهر و تبلیغ راه سیاست جویانه در قبال دشمن سر تا پا سلع و در عین حال زخم خورده، بمعنی سازش در برابر امپریالیستها و توکران داخلی آنها، بمعنی مبارزه به انقلاب و تبدیل آن بیک جمهوری نیم بند و باز داشتن آن از مسیر حرکتی است که توده های خلق ما با حمایتی و فداکاری بسیار آنرا آغاز کرده و خواهان به انجام رساندن آن هستند.

- یشتن بسوی تشکیل ارتش مسلح خلق!
- سرتگون بادر رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم شاه خا!
- بسرقتاریساد جمهوری دموکراتیک خلق!
- سازمان یکار در راه آزادی طبقه کار!

قراکتی از سازمان در بهمن ۵۷:



پیگار دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان ایران تا محو سلطه امپریالیسم و نابودی ارتجاع داخلی ادامه دارد...

بقیه از صفحه ۴

قیام و ...

را از ساعت ۲۱ به ۱۶/۵ تغییر داده کوچکترین تغییری در روحیه، منبر و... عظیم نسوده، مردم بوجود نیامد. با حضور علامیه ما خمینی دربار، ترغیب مردم به خاندان روحیه، مردم با زهم بالا رفت. جمعیت غیر منظم، رنجها و کوجهها از زن و مرد و بیرو جوان بطور کلی خود بخودی به ایجا دباریکاد سنگر، تهیه کوکتل مویز و... برداختند. شب بیست و دوم بهمن جمعیت خیابانها مانند در همین شب بود که تعدادی از کشتی ها و یاسکاها پلیس بدست مردم فتح گردیدند. روز بیست و دوم پادگانهای ارتش، بقیه کلانتری ها، مرکز رزمی و موزونیزون، ساختمانهای دولتی، پاسگاههای ژاندارمری به اشغال مردم درآمدند. سلاحهای موجود در آن توسط مردم صادر و اکثر مردم همین روز مسلح شدند. بیست و سوم بهمن زندانها، ساواک، کاسا و پاسا مراکز دولتی نیز به تصرف جمعیت مسلح درآمدند. در این روزها هزاران رزمنده جان برکف شهید شدند. ضروریست و سوم بهمن نوشته زیر در یکی از مطبوعات بچشم می خورد:

" این نسیم از مرز رسید می آید
بخره ها را بار کسید، این ارواح غمگین و هزاران شهید

این سرود انقلاب، این بانگ شوقه آزادی است:

" ملت ایران بیروزی حمله نماند، حمله بزرگ فتح در استناد گرامی باد."
" هتیا براسیم، دزهای عمده استناد د محمد رضا شاهای را فروز بختدایم، دشمن زبون و ترسیده به سوراخ خریدده است، روح بزرگ انقلاب بر فراز سر، در خون هزاران شهید سرود ستایش می خواند. اما بقایای دشمن هنوز با برحاست. اینک با تاختهای دشمن فتح شده اند. خونخوارترین دزد خیمان عمر در میان مردم هستند. فرماندهان عمده و سرسپرده هنوز سر ارتش فرمان می رانند. ساواک هنوز با تمام تیروی خود برده است. امیرالایم خوبخوا را رستم از دست رفتن عنایمی شمار چون سارزخ خورده تر خود می بیجد. مگاسیم سرمایه داری وابسته همچنان بر حیات اقتصادی کشور حاکم است. هر آن سرنگ و یورش تازه ای دور نیست، هتیا براسیم، بیاد بیایم. وقتی ارتعاع سنا رو با فرخاطع سلاج کرد. انقلاب مشروطیت شکست خورد. نگذاریم تاریخ تکرار شود تا فروریختن آخرین بقایای رژیم پوسیده، تا کشفیه، کامل ارتش، نه براسی، زاندا رمی، تا تحویل ساواک، ارتش خلقی خود را که نیروی آن از مرز سلاج آن از زرادخانه های دشمن تهیه شده است تا زمان هم حفظ کنیم."

ارتش تنبجده ای حرکت و از دست رفتن بنا مسمی دستا وردهای جنبه انقلابی بیار نخواهد آورد. پیش سوی پیشوند عین طیف کارگر! پیش سوی ایجاد جزو طبقه کارگر! پیش سوی تشکیل ارتش مسلح خلق! سرنگون با رژیم سرطانی را با سته به امیرالایم سنا د خا... برقرار باد جمهوری دموکراتیک طلایی! ما زمان بیکار در در راه آزادی شهید گلزار ۱۳۵۷/۱۱/۲

"حرک"، "تحریک و ایجا در هیما ثی و تشکیل (سورا)، "منافی یا تا... صادر گشت (۲) همچنین می توان اخراج ۲ افسر و حدود ۱۱ درجه دار مبارز را از پادگان شماره ۲ لنگر ۸۱ زهی نام برد. جرم اینان اعتراض به قضای فرمانده نسبت به پرسنل پادگان بود! در جریان حمله به کورستان بسیاری از سربازان و افسران انقلابی کذا فرمایند. فد خلقی فرماندهان مزدورشان را بزرگتر خلق کرد. سربچی کرده بودند، بدجوخه اعدام سیرده شدند و اخیرا نیز "نهر و بیروزنا" افسران انقلابی و دلیر کرد کذا را و مرتقا نده، خاش خود در مورد حرکت در کشتار بیسمرگه ها سربچی نمود، دستگیر و سنا ذت میرسد. این جنین است کونه ای از کارنا مه هیئت حاکمه در بر خور دیا خدا انقلاب و سیزوهای انقلابی و آگاه جامعه، اما تاریخ نشان داده است که جنین رژیم ها ثی در سنا بیت نخواهند توانست ما هیت خود را از دینوده ها بپشان نگاه دارند. خلق ما و انقلابیون را ستینس همچنان بر جم خونین مبارزات خدا میریا لستی و دموکراتیک خود را بدوش می کشند و تا نا بودی کامل سلطه امیرالایم و ارتعاع آریای نخواهند نشست.

بقیه از صفحه ۲

مروزی بر...

با بر زمینها در آورده است. روستا کدر کد سبب عرصه استقامت رو به ره گشتی آریا با از دهقانان سوده دنبال اصلاحات ارضی بطور عمده عرصه سنا و سنا ر سرمایه داران، بانکداران و ارگانهای اداری رژیم فد خلقی شاه سابق از دهقانان به اصلاح آزاد شده گردید. حاصل کار روشن است: کشوری کدر همسین ۲۷ سال قبل و در دوران حکومت ملی دکتر محمد مصدق با اقتصاد بدون نفت و سرمایه گذاری دهها برابر کمتر زمینان سالهای اخیر، قادر گشته محصولات کشاورزی و بخصوص محصولات سنتی از جمله گندم بود. طی سالهای گذشته، سرمایه حاکمیت امیرالایم سنا و نوکران جیره خوار داخلی آنها بر مقدرات مردم ما، بسیاری از محصولات سنتی گنا و زری از جمله گندم م ارجار و وارد می گردید.

در مورد تسلیحات:

بودجه نظامی ایران طی سالهای ۵۵ - ۵۲ به ترتیب ۲۸، ۲۸/۵، ۲۸ و ۲۷ درصد بودجه کل کشور را شامل می شده است، تنها در سال ۵۵. حدود ۵۵ میلیاردریال صرف هزینه های نظامی گردید که هدفی جز سربوب خلقهای ایران و سرخندگی و جنبش های آزادی بخش و حفظ منافع امیرالایم سنا آمریکا ثی و انگلیسی و مزدوران داخلی آنها نیست و این در حالی بود که بودجه آموزش و پرورش و بهداشت و درمان در همین سالها مبالغ بسیار ناچیزی را در مقایسه با بودجه نظامی شامل می کرد.

بطور خلاصه با متکی شدن اقتصاد ایران بر محصول یکپایه نفت، غارت این ماده حیاتی سنا تا زلترین نرخ ممکن، عدم رشد صنایع سنگین و پایهای، محدودیت صنایع ایران به صنایع سنا و وسعنوان زانده صنایع غرب، انحطاط وضع کشاورزی و سیر روبه اضحلال و تا بودی آن، صرف ملنا ردها دلار از در آمد نفت برای خرید سلاحهای سیرتسند جنگی، بکار افتادن سرمایه های کلان در پرشده های سنا و کندی سوده آوری چون زمین، ساختمان و... اصلاحات را بصورت یک اقتصاد دبیما ری که هموار را در درون حال تلاشی و بوسیدن است، در آورده و آنرا بیک بحر بسیار عمیق گشته است.

بدین سبب و هر طی سالیان دراز، سرمایه داران انگل و مزدور را با بان خارجی آنها به سوده های کلانی که هیچگاه سنا ترا هم نمی توانستند بکنند، دست یافتند و در نهایت اقتصاد ایران به قیمت رشد و فربه شدن صنایع خارجی و تخفیف بحرانهای مالی و اقتصادی کشورها امیرالایم سنا اضحلال و تا بودی کشیده شد. سنا سنا ای عمیق و همه جا نیه اقتصادی که بیشترین سنا را بر دوش کران و زحمتکنان جامعه و از ذمی آورید، در سنده های سیاسی چگونه متجلی شدند و سنا ما را سنا نوده ها را چگونه و طی چه بزوسه ای رسد داده سنا حله اعتلای انقلابی رسانند؟

بقیه از صفحه ۱۵

سیروزی نهائی...
معرض ضربات و حمله دشمن قرار داده ایم. از اینرو موضع انقلاب نمی تواند دنیا به موضع سازش و حتی موضع دفاعی در مقابل حملات سیر حمله ارتش باشد، دستگاه ارتش فد خلقی را با یادتنا بود ساخت و این بمعنای مبارزه با سربازان و افسران میهن پرستی که نمی خواهند بدستور بیگانگان دست به کشتار مردم بزنند نخواهد بود. ما با آغوش باز از این افراد استقبال نموده و همراه آنها با بر علیه دشمن و احدمبارزه خواهیم کرد، اما مسالمت در برابر

بقیه از صفحه ۶

دستخوش دادن...
اخراج آنان از ادارات و ارتش می باشد. شمار کثیری از نیروهای انقلابی از ادارات مختلف اخراج شده اند و این عمل در حالی انجام میگردد که همان رویای رژیم سابق در اسادات قرار گرفته اند. در مورد ارتش نیز رژیم که خواست توده های آگاه و نیروهای انقلابی درون ارتش را بر سر نخال ارتش دستپرونده امیرالایم سنا و ایجا در ارتش مسلح خلق را "فدا انقلابی" نامیده بود، سخن از "تصفیه" آن به میان آورد، اما جمران از همان ابتدا و همزمان سنا با زمازی ساواک و دیگر اقدامات فد خلقی و ضد انقلاب بی اثر از "تعدیل" ارتش سخن می گفت و این "تعدیل" نیز بلاخره شامل تعدیلزدیادی از پرسنل انقلابی و دموکرات ارتش گردید! همین چندی پیش بود که فرمان اخراج حدود ۷ هزار عناصر انقلابی ارتش و بخصوص همافران مبارز با جرمهای همچون "جی"،

(۲) - برای توضیح بیشتر در این مورد می توانید به "پیکار" شماره ۳۵ مراجعه کنید.

خلق فریاد میزند: "رهبران ما را مسلح کنید!" اما رهبران اینرا نمی خواستند! از اینرو خلق خود ابتکار عمل را بدست گرفت و بدینسان قیام مسلحانه ۲۲ بهمن آفریده شد!

هشدار سازمان به خلق در مورد سازش با ارتش ضد خلقی و فرماندهان وابسته با میریالیسم در سوم بهمن ماه ۵۷:

خلقهای فرمانان مادریک مبارزه برکسوه و دلیرانه، با ایدن مدها هزار شهید و مجروح، در کماکتی یک سیردکم نظیر خواستند و لیس سیکر بیروزی را فتح کنند و شاه خاس، با این جنایتکار شما معیار و سبک زنجیری آمریکا را سر می دهند. این بیروزی متعلق به شما متوجه های ستمگانه است که در دوران یکیت با سلطنت این خاندان سگین و بیخوس دوران یک ساله اخیر، فشار، تبعیض، ماسا، در عیادت را بجان خریدند و بر علیه رژیم سرمایه داری وابسته حاکم و از با بن جنایتکارش قهرمانان نه جنگیدند.

جای هیچ سگی نیست که این بیروزی، در سالیانه با دوره سیاه حاکمیت دیکتاتوری خون آساز رژیم پهلوی، بسیار بر ارزش و قابل اهمیت است، اما نباید فراموش کرد که این بیروزی در مقابل راه درازی که تا بیروزی دنیا شی انقلاب در پیش داریم تنها قدم اول محسوب میشود و نه بیشتر. دشمن خونخوار در اثر موج گسترده نظرات و اعتراضات سیاسی کارگران و کارکنان مبارز موسسات دولتی و خصوصی، از نظرات اقتصادی و سیاسی فلج گشته، از لحاظ نظامی نیز از درون دچار ریزش و چندبار چکی گردیده، و عناصر بنیادی از افراد با شین ارتش که خود را زمین قرشهای محروم و ستم دیده جا معده بر خاسته اند در کتا مردم قسزار گرفته اند. ولی از رژیم سرمایه داری وابسته به امیریا لیسم که هنوز آن را روی پای بسیاری با بر جا ست. پایه های سلطه و نفوذ امیریا لیستها و در زاس آنها امیریا لیسم آمریکا در موسسات و شرکت های غارتگر خارجی و داخلی وابسته، در قرارداد های اسارت - آوراقتصادی، سیاسی، نظامی و در زاس آنها در ارتش ضد خلقی و نامفراز سخوان وابسته که از منافع حیاتی و اساسی امیریا لیستها و سرسیردگان داخلی آنها دفاع نمکند، هنوز قطع و از زمین برده نشده است. بیروزی واقعی در این است که رژیم سرمایه داری وابسته تا بودگشته و سلطه و نفوذ امیریا لیستها و در زاس آنها امیریا لیسم آمریکا را بران بطور کامل و سرفانی همیشه قطع گردد، جمهوری دموکراتیک خلق که رهبری آنرا کارگران بدست دارند از نمایندگان کلیت اقنا و طبقات خلقی تشکیل شود، ارتش ضد خلقی تا بودگشته و یک ارتش خلقی که حافظ منافع توده های مردم باشد بوجود آید.

پیروزی نهایی چیست؟ و چگونه تامین میشود؟

آمریکائی و فرماندهان کنیتی جون اوبسی، از هاری خرودا و دو شقت و... به منظور سرکوب خلقهای میهن مان و تمام می خلقهای منطقه تجهیز و آماده شده است. آبا ارتشی با این مشخعات می تواند بسعنوان یک ارتش خلقی بحساب آید؟ مسلما نه! سربازان که فرزندان توده های زحمتکش جامعه ما هستند، یا درجه داران و افسران جز که خود از شرهای پائین جامعه بحساب می آیند، با بدحسابان از فرماندهان خونخوار و رولقه بکوشیهای آمریکا جدا شود. همچنین با فرحانی و فرار سربازان از ارتش و احساسات باک و میهن پرستی آن دینته از افراد ارتش را که به موقوف مردم می بسوسند، باید از ماهیت ارتجاعی و ضد خلقی دستگا ه ارتش برینده ها و سیاستهای امیریا لیستی آن جدا نمود.

اگر قریه های پیروزم از این می زند که ارتش با مردم است بخاطر عطف و توانی است که در این موقعیت حساس سربازای ارتش را گرا گرفته است، بخاطر اینست که یک کودتا میانی، در شرایطی که تمام اقتصادا دجا معدوم شده و آسایش نا پذیریتان را با دستگا ه جهانی امیریا لیسم و سرمایه بسته به آسایشان دادند، برانجامی جز شکست پیدا

فرماندهان جنایتکار ارتش در این یکساله نسیان داده اند که از کامریاب دستور می گیرند و در همین چند روز هم در هوازا، دزفول، اندیمک، نجف آباد و... دیدیم که این جنایتکاران خواب احساسات پاک مردم را چگونه دادند، از لوله های مسلسلی که به وسیله مردم کلیباران شده بود، کلوله با ریدوسینه برادران و خواهران ما را سگافت.

آیا همه این جنایات کافی نیست تا به این موضوع پی برد که جنین ارتشی را با بنیاد زایا به واسطه نابود کرد و ارتش دیگری بنام نهاد؟ بنا بر این ما این جنبه از توصیه آیت الله خمینی را که می گویند: "ارتش از ملت است و ملت از ارتش است با رفتن شاه خلقی بر آن وارد نخواهد شد"، (بنتقل از اعلامیه آیت الله خمینی درج شده در اطلاعات مورخ ۵۷/۱۰/۲۲) و مطابق آن کل ارتش را یک دستگا ه مردمی و خلقی تصویر میکنند و چهره ارتجاعی و ضد خلقی آنرا در نظرنمی گیرند، ما درست دانسته و بحال جنبش انقلابی مردم بسیا ر خطرناک می دانیم. این توصیه و رهنمود باید عت میشود که ما دکای ذهنی و روحی و عملی توده ها برای برخورد تیرا میروا جناب با پذیرگی که سزاجا امیریا لیسم و ارتجاع داخلی، بسوی سینه بخشهای از همین ارتش ضد خلقی به خلق تحمیل خواهند کرد، کاسه خود را ز قبل در مقابل دشمن خلق سلاج کردند. این نقطه نظرات با نجا پیش می رود که حتی از مردم می خواهند در مقابل حمله و نهیها حتمالی به برادران ارتشی از آنها دفاع کنند! همان برادران ارتشی که در طی این مدت بیوسه به موقوف مردم میارزتا خسته و با سلاحهای آمریکائی سینه مبارزان خلق را هدف کلوله های آتشیین خود قرار داده اند. توصیه آیت الله خمینی مبنی بر پشت کردن سربازان به ارتش و پیوستن به صفوف خلق، توصیه ای کاملا بجاست، اما این فقط یک جانب قبیله است و تکلیف دستگا ه ارتش را که باید بکلی نابود شود، روشن نمی کند.

این ارتش طی سالیان دراز بعنوان ابزاری سرکوب جنبش خلق و حافظ منافع امیریا لیستها و برنجعین وابسته به آنها عمل کرده است و یک شبه تغییر ماهیت نمیدهد و نمی تواند مدافع منافع مردم و خواستهای آنها باشد. این ارتش بسعنوان یک سلطه امیریا لیسم و سرمایه داری وابسته برای حذف منافع اربابان با نجا است به وحیانه ترین شکلی بسی انقلابی مردم را مورد هجوم و ضربت خود قرار دهد، اما نظور که چه در گذشته و چه در دوره اخیر با رها چنین کرده است.

این احتمال وجود دارد که در لحظه فعلی بدلائلی که مربوط به ناعوانی و جنگست کامل دشمن در شرایط کنونی است، فرماندهان مزدور ارتش نتوانند دست بیک ماجراجویی نظامی و سبک کودتای خونین بسزنند، اما از آنجا که بی سینه سرکوب همواره در دست آنها بطور جبروتی شده و زود در با بها و اساس آن تغییر ایجاد نشده است، حنا نهی قاطعانه تا بودی کامل آن و متقابلا تشکیل ارتشی مسلح خلق را در دستور قرار ندهیم، و در این باره اقبال از نظر ذهنی، روحی و عملی توده ها را آماده سازیم، انقلاب را که هنوز در قدمهای اولیه است، همواره در



قيام پيروزشده، سلطنت واژگون گشت، امیریا لیسم ضربه دید، اما راه انقلاب دموکراتیک و ضد امیریا لیستی ما هنوز پیمان نرسیده است.

بقیه در صفحه ۹

موت بر امیریا لیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران

اولین سالگرد قیام مسلحانه ۲۲ بهمن را
به کارگران، زحمتکشان و تمامی خلقهای
ایران تبریک میگوئیم

سازمان بیکار در راه آزادی خلقها مبارز

بیکار
۴۲

دوشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۵۸ بهای ۱۵ ریال

درسهای قیام برای کارگران و زحمتکشان

با نزدیک شدن قیام توده‌ها تمام خلایق خود را بکار
گرفتند و با استفاده از بمب‌های آتش‌زا علیه پلس، و با سنگر
بندی در خیابانها خود را برای مبارزه قطعی آماده نمودند
صفحه ۲

حزب توده از مشروطه خواهی تا قیام خلق

سال ۱۳۵۰ - احسان طبری رویونیست : هدف مبارزه ما اجرای آن
مقرراتی است که در قانون اساسی ما تاکنون پنج شاه
به اجرا و حفظ آن سوگند یاد کرده اند !
سال ۱۳۵۷ - تنها ۲ ماه قبل از قیام حزب توده از مراعات قانون
اساسی سخن می گوید ... !
• سازمان که دیگر قیام حتمی است ، حزب توده فرصت طلبانه شعار
"مبارزه مسلحانه" را می دهد !

صفحه ۱۰

یکسال پس از قیام: مصاحبه با یک کارگر زن

صفحه ۳

خاطرات رفیقی از مرکز زرهی شیراز در روز ۲۲ بهمن :
سرهنک مالک با بیسیم به تیمسار فلاحی پیروزم خیلای بما نزدیک
شده اند و اگر بخواهیم جلوگیری کنیم ، همه آنها کشته میشوند .

تیمسار فلاحی : مقاومت کنید الان هلیکوپتر بکماله می فرستیم !
چگونه تیمسار فلاحی تا آخرین لحظه

در مقابل مردم ایستاد
درود بر تمامی شهدایی که در راه وارثی سلطنت
و محو سلطه امپریالیسم جان خود را فدا کردند

صفحه ۶



درسهای قیام برای کارگران و زحمتکشان

کارگردارای نقش قاطعی در سازمان تولید بوده و حضورا و در صحنه مبارزاتی به جایش مردم عسقی و استحکام بیشتری می بخشد .

سلسله مبارزات انقلابی کارگران و توده‌های زحمتکش خود را بیشتر متمرکز با خسته و مشکل خاد دسری بجلوسوق می‌دهد ، این شیره‌ها بطور خود بخودی گناه شکل مسلحانه نیز بخود می‌گیرد ، منافسانه ایسین مبارزات فاقدرهبری و احداثقلابی ومنسجم است و از یک تشکیلات سازماندهی متناسب برخوردار نیست ولی علیرغم این کمبودهای اساسی مبارزه خساد مردم تضادهای درونی ضد انقلاب را بنحو خسارقی - العاده‌ای گسترش داده و آنرا دستخوش تزلزل درونی شدیدی نما بدور رژیم شاهرا وای دار دتاسیوه‌های قبلی حکومت را بظا هرتغییر داده و هرتجد وقت بسه

قوای بیشتری برخوردار بوده و با توسل به مبهمیهای آتشنا به عملیات قهرآ میزوا انقلابی علیه مراکسز دشمن ماشندبا نکجا ، موسسات فرهنگی امپریالیستی کلانتریها ونیروهای ارتشی دست میزند . پس از قیام تیریزخیزشهای مبارزاتی مسردم سراسری شده و در تمام ایران گسترش پیدا میکند و هر چه مبارزه شد می‌کند ، توده‌ها از خود گذشتگی بیشتری از خود نشان داده و آگاهی و تجربه عملیات خود را ارتقا می‌دهند ، جنبش خلقها رژیم شاهرا با آن آمریکا شیش

مادراین مقاله من از شرح مختصری از مبارزات مردم در پیش از قیام ، بهاریایی از قیام بهمسین ماه می پردازیم ، رسیدن آتشنا مورد بررسی قرار می دهیم ، زیرا بدون بلای صحیح از تجربه‌های مثبت ومنفی مبارزات گذشته نمی توان مبارزه و انقلاب را بنحودستی به پیش برد و آنرا به پیروزی کامل رساند .

کارگران و مردم زحمتکش ما همیشه علیه رژیم شاهرا و با مبارزات مبارزانه میگردند ، از این اسبط عینی زندگی آنها ترا به مبارزه و امیدداشت زحمت کتان ما در اسارت و فقر بوده و از آزادی محسوس بودند و مشتکی سرما پیدا رزلوصفت و امپریالیستی تجا وزکا ربا لتکا به سر نیزه ، شکنجه و زندان برآتسار حکومت میگردند ، مردم ما مبارزه میگردند چون تحسوا استحماروستم وحشیانه قرار داشتند .

مبارزات مردم در دوران اخیر با جنبش خانه - سازی در خارج از محدودده در سال ۱۳۵۶ اوج نویسی یافت و وارد اعلای خود گشت ، این جنبش کسه زحمتکشان در آن شرکت داشتند ، شکل قهرآ میزدانست و سمت آن متوجه دستگا هیای سرکوب دولت شاه بود ، دیگر مردم دریافته بودند که ضرورت دار دتبا تکمل گسترده و توده‌ای و آرد میدان مبارزه شده و مبارزات خود را غنای سیاسی بخشند و رژیم جنایتکار ریپلوی را در موجهای شرددی امان خود غرق سازند .

در خارج از محدودده محروم ، زحمتکشان طوفسان مبارزاتی را برپا کرده بودند و بدینال آن امواج خروشان جنبش توده‌ها با شعارهای سیاسی مانند : "مرگ بر شاه" ، "مرگ بر این حکومت فاشیستی" ، "مرگ بر آمریکا"

دا منته می‌گرفت ، مردم به این نتیجه رسیده بودند که برای دسترسی به خواستهای انقلابی خود تظا هرات آرا م وغیر سیاسی بهیوجه کافی نیست و برای آزادی کامل خود با رژیوم وابسته و خونخوارا کم و خسونت فدا انقلابی اویطرز قهرآ میزوا انقلابی رفتار کرد . آنها ن به این نتیجه رسیده بودند که با پدم مبارزات بیگیری را بجلو برد که منجر به سرنگونی رژیمم سرما پیدا ران وابسته کرد .

در همان زمان که لیبرالهای سازنکار با نامه نوشتن از شاه آزادی میگردند ، دانشجویان انقلابی در آن ۵۶ بلند می‌شوند و به مراکز سرما یه امپریالیستی یعنی بانگها حمله ور شده ، پیش از ۷۳ بانگ را ویران میکنند و سپس سابتوده‌های مسردم که بجان آمده بودند ا منه مبارزه را با زهم گسترش می دهند ، در دیماه ۵۶ مردم قهرمان قم بلند میشوند ولی ارتش مزدور شاه آنها را که مسلح نبودند بخون میکند ، پس از آن در بهمن ماه همان سال مردم دلاور تیریز به خونخوای شهدا علیه رژیم پیدا دگریپلوی واریا نشی قیام کرده و از خود رشا دتبا برخ می - دهند ، جنبش تیریز نسبت به مبارزات قسلی یک تحول است ، زیرا این مبارزه به شکل عالیرتبعی خرسین دسنه جمعی قیام تکامل پیدا کرده ، از نظم و آراش

● اوج نوین مبارزات خلق از جنبش خانه سازی در بهمن ۱۳۵۶ آغاز گشت و در اعلای بعدی خود به حرکت آبان ۵۶ دانشجویان انقلابی ، دیماه ۵۶ مردم مبارز قم و بهمن ۵۶ تیریز قهرمانان و ... منجر گشت .

● در جریان قیام ، توده ها عمدتاً مشکل خود بخودی به تشکیل کمیته های اعتصاب و شوراهای کارخانه ، محلات ، ادارات و ... دست زدند ، و بدین ترتیب نطفه های قدرت تسود ه ای و انقلابی را بوجود آوردند .

جند وقت دولت ونخت وزیرش را شعوبی نماید . در مقابل ضربات کوبنده جنبش مردم و خشم آنها ضد - انقلاب به سرکوب متمرکز روی می آورد تا بلکه بتواند جنبش را خاموش کند ، در ۱۷ شهریور ۵۷ رژیم به یورش وحشیانه ای دست زده و هزاران نفر از مردم آزادی - خواه خلق ما را قتل عام می نماید ، رژیم به عبست تصور میگرد که با این کشتار میتوا ندرتس در صنف انقلاب انداخته و آنرا واداره عقب نشینی نماید . ولی مردم تصمیم خود را برای واژگون نمودن بقیه در صفحه ۲

را به استیصال و در باندگی بسیا بقیه و بیشتر می - کشتار و هروز تضادهای درونی او را با زهم تسددت می بخشد ، طبقه کارگر برانگه با تعطیل کارخانه ها اعتصابات و تظا هرات در مبارزات سال ۵۷ شرکت جست بود ، در ادا مه تکاملی حرکتی بوضرب کاری را بر رژیم شاه وارد میسازد ، به این حرکت که کارگران صنعت نفت به اعتصاب سیاسی قاطعی دست زده و شیر - های نفت را بروی جها نخواستاران بسته و بر رژیم شاه ضربات سیاسی - اقتصادی مهلکی وارد می آورد . این مبارزه انقلابی یک بار دیگر نشان داد که طبقه



یکشنبه بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷ - تمامی ارتش تهران ، با آنهمه ساز و برگ سبک و سنگین ، در برابر سیل خروشان رزمندگان ، نیاز به کمک داشت . ۵۱ تانک و تریلر ارتشی ، از کمانشاه حرکت کردند که ارتش تهران را در سرکوبی مبارزان راه آزادی مدد رسانند ، اما ... اما مگر مردم همدان گذاشتند ، این دلاوران ، در یورش منظم و سرسخت ، هر ۵۱ تانک و تریلر را از حرکت باز داشتند و نیروی کمکی را تصرف کردند تا خیال جنگجویان مرکز راحت باشد .

قیام ۲۲ بهمن ماه نشان داد که تنها خلق مسلح میتواند سلطنت را واژگون و بر امپریالیسم ضربه وارد کند

یکسال پس از قیام:

مصاحبه با یک کارگر

قویترند، پس بالاترند. اگر مردها قویترند بیخطر کاری است که میکنند اگر بگذارند زنها هم همان کارها را بکنند آنها هم میتوانند. تازه خیلی از مردها هم کار را در راه می‌کنند این کارها را که همه زنها میتوانند بکنند.

امروز سیاست در کوه و بازاری است، زنان مردان و حتی کودکان هم جای خود را در سیاست سهم میدهند. این همان سبلی است که لیبرالهای خائن نظیر بازرگان از آن یاد میکنند. آری تا وقتی سیاست در کوه و بازاری است، خائنین امید چندانی به فسادای خود ندارند و زحمتکشان نیز درست بهمین خاطر نیست به سرنوشت فرزندان خود اظهار نگرانی میکنند، چرا که شقاوت‌های بسیاری از ارتجاع دیده‌اند. مجاهد شهید "عباس عماد" یکی از آخرین نمونه‌های قساوت ارتجاع است.

س - چرا من عمل سیاسی شرکت دارید ؟

ج - گاهی عمل به‌ها بحث میکنم، در بعضی میتینگ‌ها شرکت میکنم، بجه‌های من بکار سیاسی خیلی علاقه دارند. میدانم هم‌ها را که از یک روزی - روند و برپایی گروهی، ولی دلم میخواهد که هر کاری که بکنم بگذارم تا بقیه بفهمند تا برایشان در دسترس کنند.

س - مختصری از زندگی شما را برایمان بگوئید.

صفحات زندگی زحمتکش، فقر و استعمار و مستمر خورده‌است، آنهاستم به تطبیقاتی را در تمامی ایام خود حس میکنند و بی‌سلاح و بی‌تبدان در آن عمیقاً کینه‌دارند. این کینه‌هاست که دوران ساز و آنگاه که نباشد و جمع شود منفجر میگردد و

جای ما سر ما به‌داری را زیر و زبر میکنند و ما معسوسا - لیستی را بی‌ما می‌سازد!

ج - سی و سه سال است. در رشت بدنی آدم و دوران بچگی را هم در آنجا گذراندم. وقتی سیزده ساله بودم ازدواج کردم، البته ازدواج با میل و رضای خود نبود. با نیکویم مرا شوهر دادند. سالهای اول ازدواج سخت‌ترین سالهای زندگی بود. با فامیل شوهرم در یک خانه زندگی میکردیم. اصلاً اختیار زندگی‌مان بدست خودمان نبود. با ۶، ۵ نفر دیگر در یک اتاق زندگی می‌کردیم. ما بیست و سه نفر بودیم. هر حرفی مادر شوهر می‌زد با ما اطاعت میکردم. از صبح تا شب جان نمی‌کندم و کاری کردم و حق کوچکتری - اعتراضی هم نداشتم. سکه‌کاری می‌کردیم کرسنگی و تشنگی و سرما و گرما بلا حالیمان نبود. اگر هم در بین ساعات ناها را روشاً مگر سینه میشدیم - برداشتن تکه‌هایی را هم نداشتم.

شوهرم در کارخانه‌های کار می‌کرد. بعد از مدتی بیگانه شد. قبلاً برای پیدا کردن کار تمام شهرستانها را زیر پا گذاشته بود حتی به شیراز هم رفت ولی بی نتیجه برگشت تا اینکه با آخرین در تهران ساکن شدیم.

دوباره بعد از مدتی شوهرم بیگانه شد. وضعمان خیلی بدتر شد. در تهران مستاجر بودیم. در این دوره، بیگانه‌ها را بجه‌ها را هم ندیده بودیم و کارمان هزار بار سخت‌تر شده بود. نه تنها لباس بلکه حتی نان شب هم نداشتم. غذای ما که نان و بیاض بود از رستگاری برایمان مرغ و شیر و انگور می‌آوردند. غذای شب و روز بجه‌ها هم شیر و بیاض بود. هیچ وسیله زندگی نداشتم بجز یک زیلو و چند شمع. بجه‌ها گریه میکردند لب‌هاش و میوه و گردش و وسایل دیگری خواستند و ما هیچ چیزی نداشتم که بده آنجا بدهیم. حتی بول اجاره‌خانه بقیه در صفحه ۱۱

سیما یا مع طبقاً و سر ما به‌داری آنیم در کنوری نظیر کشور ما بسیار زشت و گریه‌است. سر ما به‌داری ما نندو لوکا رگران را استمار می‌کنند، و وقتی به‌داری ما زنده شدند زکارها نه و موسسه خود بیرون می‌کنند، به‌داری سخن یک کارگر زن که دوست دارد در فتنه‌ها به‌داری حاصل رنج خویش زندگی کند، ولی کار نیست، می‌نشینیم:

س - دلنمان می‌آید کار کنید ؟

ج - خیلی زیاد. دلم میخواهد خودم روی پای خودم بایستم تا آینده‌ها را خودم انتخاب کنم، ولی بخوا طریقه‌ها بهم برآید مقدور نیست، آدمی که در کتخ خانه میماند مثل استعمار در قفس است. دلم میخواهد خودم صاحب زندگی خودم باشم نه اینکه بنیمن بگویند حق کار کردن را ندارند.

س - راجع به مسائل سیاسی چه فکر میکنید؟ آیا در انتخابات شرکت کرده‌اید ؟

ج - در انتخابات جمهوری اسلامی و مجلس خبرگان شرکت کردم ولی در قانون اساسی و رئیس جمهوری نه. در مجلس خبرگان میخواستم کسبسی را انتخاب کنم که بیانش اعتماد دارد اما قانون مملکتمان را بنویسند ولی در رئیس جمهوری حقیقتش هیچکدام را آنقدر نمی‌شناختم که به‌داری اعتماد کنم.

به‌داری می‌گویند که مردم برای "اسلام مبارزه کردند، نه برای رفاه و آزادی (که از نظر آنها معنای دیگری دارد)، اما زحمتکشان استدلالشان برای انقلاب بسیار ساده‌است. در هر جایی که انسانها شی استعمار می‌شوند، در هر گوشه‌ای که شده‌ها تحت استعمار قرار دارند، یعنی در همه‌جا، هر روز ما تحت تاهد این هستیم که مردم ستم‌دیده می‌گویند: ما انقلاب کردیم که خاکم بر سر نداشت خود ما شیم، ما انقلاب کردیم تا دیگر ما زور نگویند، ما انقلاب کردیم که دیگر بی‌سپناه و بی‌مسکن نباشیم، ما انقلاب کردیم که آزاد و مستقل باشیم... از این شیرین کارگر نیز همین را می‌بینیم.

س - گفتمی کنید مردم چرا انقلاب کردند ؟

ج - انقلاب کردیم تا آزادی داشته باشیم، تا زندگی‌مان راحت‌تر و بی‌دردتر باشد. بی‌خواستیم ما را بیرون کنیم تا دیگر استعمار نشویم.

زنان در جای ما بطور مفا عفو و دوگانه‌ای تحت ستم قرار دارند، در کارخانه، در روستا، در اداره و خلاصه در همه‌جا زن بعنوان یک موجود درجه دوم تلقی میشود. سر ما به‌داری اساساً بی‌سلاح و بی‌تبدان زن و مرد را حل کند، چرا که هدف او استعمار نیروی کار زن - بنا بر این استعمار هر چه بیشتر به‌سختی برداخت مزد هر چه کمتر به‌سختی و با استفاده‌های منطقی و سلیقاتی از وجود او است. و این را یک کارگر زن پیش از همه درجا معترفین میکند. یکسال پس از قیام قانون اساسی خبرگان با تکیه بر کینه‌ترین و بی‌سپناه‌ترین بنیادهای و نظرات حقوق زنان را آشکارا نقض کرده‌است.

س - شما آزادی زنان را چگونه می‌بینید ؟

ج - زنان باید با مردان برابر باشند ولی در جامعه ما اینطور نیست. دلم میخواهد دخترها در جای ما مثل پسرها باشند و ما به‌داری نگویند. تسو دختری اینکار را نکن. می‌گویند مردها از زنان

تهران با خون و حماسه فتح شد



ناحیه یزدشکی قانونی تهران، صف طولانی شهدا را در خود جای داده است. آنها برخاک افتادند و خون عزیز خود را وثیقه آزادی دیگران کردند. شهید شدند تا آزاد شویم. نامشان و یادشان گرامی باد.

درود بر تمامی شهدای راه آزادی و استقلال میهن

خاطرات رفیقی از مرکز زرهی شیراز در روز ۲۲ بهمن:

چگونه تیمسار فلاحی تا آخرین لحظه در مقابل مردم ایستاد

صبح روز بیستم اردیبهشت بهمن ما گروهان سوم (پرویز) از گردن ۱۹۱ کیلومتره که ما موریت گشتی داخل پادگان مرکزی شیراز پیوسته داشت دریا عست با زده ما دادا ز طرف تیمسار دهینا و تیمسار فلاحی که هر دو در محوطه گروهان حاضر بودند ما موریت بافت که در پستهای مربوطه (در سمت شرق و جنوبی در داخل پادگان) مستقر بودند و این پادگان در آن روز برای هر گروهانی که ما موریت گشتی در آنجا پادگان را داشت ولی این ظاهر قضیه بود و تمام کتبی که در پست گروهان سوار بر خودروهای مربوطه شدند که به محل پست خود پیروند ولی تا گمان خود روها بدنبال آمدن ما شین جیب که بعداً مشخص شد سرسینا آن سرسینا دومتدین و سرهنگ دوم مالک و احتمالاً فرمانده گروهان، سروان هادیان، بودند از درب پادگان خارج شدند (سروان هادیان بعداً در مقابل پرسنل گروهان اظهار می دارد که نمی دانسته بکجا میروند که آنها را در جریان بگذارد. لذا تا بعد از جیب فرماندهی نبود). خلاصه خودروها در مقابل ساختمان شهر با نی توقف کردند و افراد بیجا شدند. بعد از مدت کمی سرباها در قسمت شمالی محوطه جلوی شهر با نی منتظر شدند و فرمانده گروهان و پرسنل وظیفه ای که به همراه گروهان بودند سرباها را کاملاً توجیه کردند که بطرف مردم تیراندازی نکنند و این امر از طرف فرماندهان همراهمان نیز مورد تأیید قرار گرفت. قبل از استقرار گروهان سوم در ضلع شمالی محوطه چند جسد در آن قسمت بود. از آن پس در این ناحیه یکسایه آیینی ترسید چنانکه مردم نیز چند بار (بر خلاف ضلع جنوبی) موفق شدند تا که تا یک قدمی سرباها را پیش بیا بیند و حتی چند نفری نیز از روی نرد. ه داخل محوطه شدند و با پرسنل به بحث و جدل پرداختند. تیربارهای گروهان در پشت بناها ساختمان شهر با نی

منتظر شدند (والیته شرکت آنها در کتار مردم جای ایهام است). افراد شهر با نی یک قسمت از تیربارها و بر دروی پشت بناها و در داخل شهر با نی از بنجرها و در ضلع جنوبی محوطه جلوی شهر با نی و در قسمت پشت ساختمان شهر با نی بطرف مردم تیراندازی می کردند. در ضمن یک سرهنگ شهر با نی مرتباً از پشت

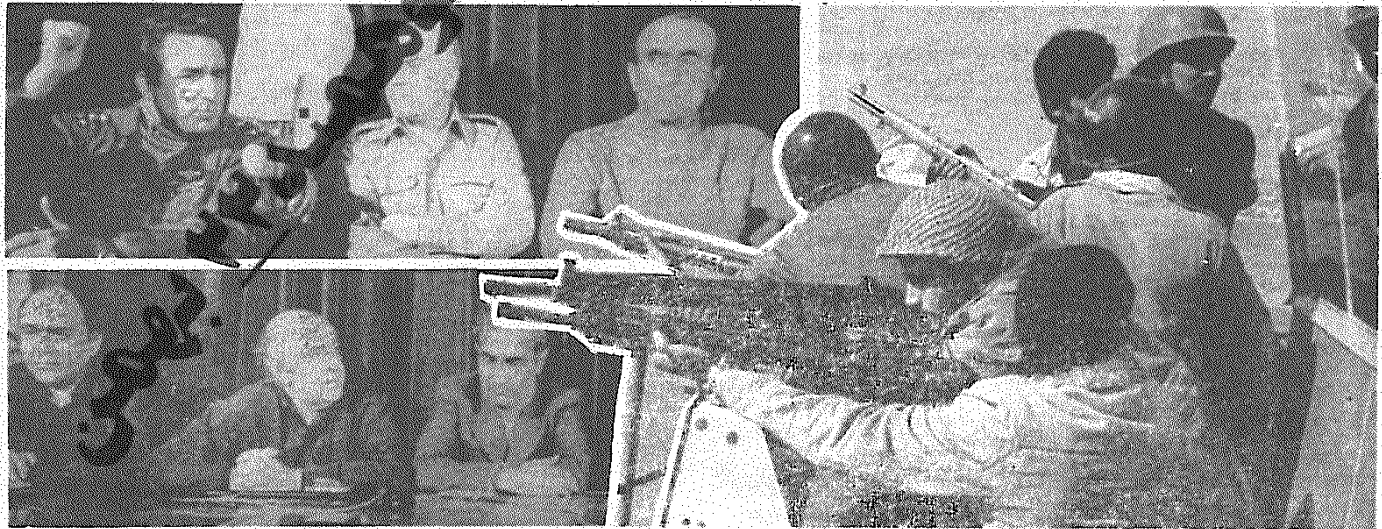
● سرهنگ مالک با بی سیم به تیمسار فلاحی: مردم به ما خیلی نزدیک شده اند و اگر بخواهیم جلوگیری کنیم همه آنها کشته می شوند.

● تیمسار فلاحی: مقاومت کنید، الان هلیکوپتر به کمک شما می فرستد!

تندگوا اعلام می کرد که شهر با نی شیراز همبستگی خود ای مردم اعلام میدادند و حکومت مهندس بازرگان را به رسمیت نمی شناسد و به این وسیله از مردم دعوت می کرد که با همکاری جلوه گیری کرده و متفرق شوند ولی مدای تیربارها قطع نمیشد و این دوگانگی و تناقض در تمام این مدت حکم فرما بود. از یک طرف تیمسار سارانی، رئیس شهر با نی، میگفت: «اینها برادرهای ما هستند که با ما هستند» و از طرف دیگر کتار را دادها داشتند چون افراد شهر با نی و هوادار خلی می متفرق بودند و در میان آنها متمرکز نبودند و هدایت آنها مشکل بوده و ظاهر این نظر بود که هیچکس تسلط بر اوضاع نداشته باشد. شهر با نی چند بار بر روی افراد گروهان سوم مرکز گشته، بیعت عدم همکاری، اسلحه کشیدند و یکی از سرباها با چند از پشت با گلوله زدند. (سرباها خندرو در این میان سرهنگ مالک مرتباً با تیمسار فلاحی با بی سیم در تماس بود و به او می گفت که خیلی بجا نزدیک شده اند و اگر بخواهیم جلوه گیری

کنیم همه آنها کشته میشوند، تیمسار فلاحی میگفت مقاومت کنید، الان هلیکوپتر بک کمک شما می فرستد. بعد هم ارتباط قطع شد. خلاصه حدود ساعت ۲/۵ بعد از ظهر یکی از افسران وظیفه که در تمام طول درگیری اصرار به تسلیم شدن به مردم را داشت و سرباها را از تیراندازی منع میکرد که البته سارانی فرماندهان و درجه داران گروهان سوم نیز همین کار را می کردند، سرهنگ تدین، فرمانده ستون اعزامی از مرکز بیجا ده، را تشویق، بعقب نشینی کرد و به این ترتیب بنا بدستور سرهنگ تدین، سرباها را از گروهان سوم راه را برای مردم باز کردند و بطرف مرکز بیجا ده حرکت نمودند و تیمسار سارانی وعده ریادی از افراد شهر با نی نیز به آنها پیوستند در این موقع عده ای از مردم به ساختمان حمله ور شدند و کسانی را که در داخل ساختمان بودند دستگیر نمودند و چند نفری نیز فرار کردند. مردم سرباها را زخمی را که در داخل شهر با نی بودند به بیمارستان رساندند و عده دیگری از مردم نیز به صف آندسته از افراد که محل را ترک کرده بودند پیوستند و سارانی کمان در خواست شلیک تیرهای هوایش می نمودند. و به این ترتیب با شلیک های هوایش مردم سرباها را توانا به مرکز بیجا ده وارد شدند و تیمسار سارانی نیز از مرکز بیجا ده شد. و در آنجا دهینا و فلاحی از وی استقبال کرده او را با خود بردند. تا گفته شد که تا نکهای مرکز زرهی و عده ای از افراد نیروی هوایش نیز یکممسک مردم آمده بودند که قبل از رسیدن آنها به محل شهر با نی درگیری بطریق فوق خاتمه یافته بود.

(خاطرات رفیقی که از نزدیک شاهد این جریان بوده اند، مضمون خود)



تیمسار جلال شاهنشاهی و بهره های فاسد امیرالایم و ارتجاع در اسارت: ابتداءه ای از ایقان درد ادگاههای انقلابی به سزای اعمال خود رسیدند، اما بعد هابه "لطف" لیبیرالهای خائن مشمول عفو و نرمن درد ادگاه گشتند...

۲۲ بهمن اولین سالگرد قیام مسلحانه و شکوهمند خلقهای ایران گرامی باد!

مروری بر زمینه‌های اقتصادی - سیاسی قیام بهمن (۲)

هیئت حاکمه و ادا مدیکتا توری و خفان بشیوه گذشته، حیات رژیم‌ها سابق را بنحوی رزی غسورد مخرطه فرار میداد. رژیم حاکمه برای فرار از این بحران و نجات از جنگال قیوا نقلابی توده‌ها بیه توصیه، اربابان جدید در کاخ سفید و جناح به اصطلاح لیبرال هیئت حاکمه گوشیدند تا ایدیا برخی عقب - نشینی های جزئی و ایجاد فضای به اصطلاح سیاسی و اعطای آزادیهای محدود، جهره‌گریه و ضد مردمی خود را ارایش دهد و به این ترتیب زمینه را برای بقای حکومت خود و اربابان امپریالیستش

عدت بحرانها تروکش نماید و رشنان رضایتی ها و مبارزات توده‌ها متوقف گردد. جناح دوم (غیر مسلط) هیئت حاکمه که عمدتاً نمایندگان سرمایه داران بزرگ بخش خصوصی را شامل می شدند و خواهان قدرت گرفتن بیشتر بودند (جناح اثمار و خروشا هی) شاقه، تیزتری نسبت به جناح شاه داشتند و خواهان متاوضاع را زودتر احساس کردند. این دا رودسته شروع به یکسری مخالفتها بی سیاستهای جناح شاه نمودند. در همان دوره یعنی در نیمه دوم سال ۵۵، باندا نحما رگرا کم بر ایالات متحده آمریکا

در سیستم سرمایه داری وابسته، این مرتجع ترین و فاسدترین کشورهای جامعه هستند که حکومت میکنند، آنها بگونه‌ای بهای در میان مردم ندارند و از اینرو چاره‌ای جز تکیه به خشونت یا رترین نوع دیکتاتوری وزیر پراگذاختن ابتدائی ترین موازین دموکراسی بورژواشی نمی‌یابند. در بیشتر جنبش دیکتاتوری است که امپریالیستهای می توانستند بفار ت شروتهای ملی و تحمیل بر سره‌های خود موفق شوند. چون در غیر اینصورت، اقتدار وسیع مردم آنجنان به مینا رزه و مخالفت با برنا مدها امپریالیستی بر می خیزند که نظام تثبیت و تحکیم درونی آنها بکافی از دست می دهد. اصولاً یکی از تفاوتهای بارز بین سرمایه داری وابسته با جوامع سرمایه داری آزاد است. روستای سیاسی آن است. "دموکراسی" بمفهوم رز ر زواشی آن هرگز نمی تواند بطور دراز مدت در جوامع سرمایه داری وابسته پا بگیرد. اگر در نظام سرمایه داری آزادی امپریالیست "خودعالمی میشود برای رشد و ولیه سرمایه داری، در نظام سرمایه داری آنجا که این امپریالیست است که عمدتاً رشنان سرمایه داری را در زمینه های مؤرد نظر خویش فراهم میآورد، با چنین دموکراسی روبرو نیستیم، زیرا هر نوع آزادی ولبرالیسم، ادا مه سلطه امپریالیسم و حیات سیستم سرمایه داری وابسته را که نهاد های آن عمدتاً تحمیلی و خارج از نیازهای درونی جامعه است، تهدید می نماید. (۱)

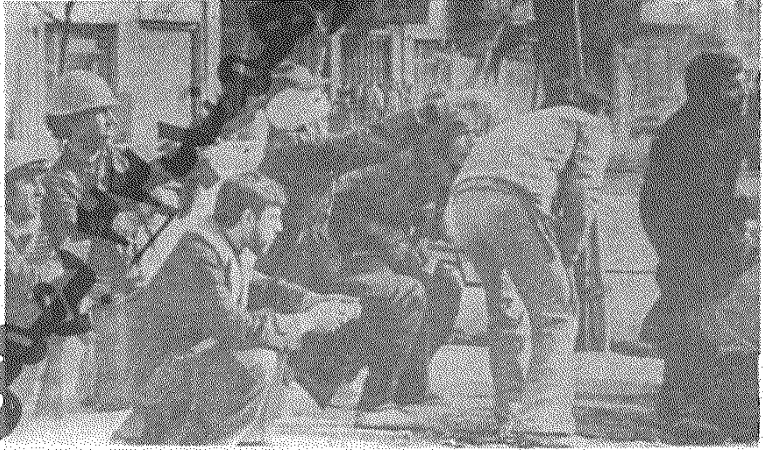
● مبارزات مردم خارج از محدوده که با شهادتی وصف ناپذیر بر نامه های خائنانه ضد مردمی رژیم را در زمینه مسکن نقش بر آب کرد، در تابستان ۵۶ و اوجگیری جنبش دانشجویی در پایتخت ۵۶ خبر از توفان عظیم انقلاب در آینده ای نزدیک میداد که قیام خونین قم و تبریز سرآغاز زهرشکوه آن بود.

● جنبش توده ها آنجنان عظیم و پرتوان بود که دیگر جانی برای بند و بسته‌ها و پند ارباب فیهای بورژوا - لیبرالها مبنی بر حفظ رژیم بوسیده و سلطنتی باقی نگذاشت و توفند و پرتوان تا نابودی رژیم سلطنتی همزور و وارد آوردن ضرباتی جدی بر پیکر امپریالیسم و سیستم سرمایه داری وابسته بپیش رفت.

مراهم نماید. اما هر عقب نشینی رژیم بجای آنکه بحران را فرو نشاند و خود وسیله ای میشود برای اوج گیری سریع تر و وسیع تر مبارزه در اوایل سال ۵۶ بحران مسکن بعنوان یکی از حلقه های اساسی سلسله زنجیر بحران اقتصادی رژیم سابق شدت بی سابقه ای دولت هویدا را تحت فشار قرار داد. این بحران در بیا مدخود مبارزات مردم خارج از محدوده را که با شهادتی وصف ناپذیر بر نامه های خائنانه و ضد مردمی دشمن را در زمینه مسکن نقش بر آب کردند، به همراه داشت. شکست بی مفتضانه بر رژیم وارد آده بود. شتت درونی رژیم بقیه در صفحه ۱۱

یعنی جمهوری خواهان، دلیل ورشکستگی سیاسی در عرصه جهانی و بویژه در عرصه ملی تاریخی اش در جنگ ویتنام و نیز بسبب اشاعه نابسان اقتصادی آمریکا از هر سو مورد حمله قرار گرفته و در انتخابات آن سال با شکست روبه رو گردید. "موکراتها" برگرسی قدرت تکیه زدند. جناح امپریالیستها بلافاصله پس از روی کار آمدن مردوران و شکست نمایندگان آمریکا را در کشورهای تحت سلطه از جمله رژیم شاه خائن را، در جهت برنامهموسساتهای خود فرا خواندند. بخصوص که وضع اقتصادی در ایران در آن زمان درجا ربحران شدیدی گشته و با انباشت و انفراد شدید سیاسی و محدودیت بیگانه اجتماعی

تصادفی نیست که پدنیال کودتای ۲۸ مرداد و حاکمیت بیچون و چرای آمریکا بر مقدرات کشور ما، دیکتاتوری خون آنا شاه بعنوان دیکتاتوری طبقات فئودالها و سرمایه داران وابسته به امپریالیسم بر مردم ما تحمیل گردید. رژیم شاه سابق حتی اعتراضات محدود و مسالمت جویانه جناحهای مخالف درون هیئت حاکمه را نیز نتوانست تحمل کند و ایجاد حزب رستاخیز در اسفندماه ۵۳، نمودار دیکتاتوری تمام عیار روستی سابقه این رژیم در سطح جهان بود. بدین ترتیب در دوران سیاه سلطنت شاه کمترین ندای آزادیخواهی بر سر تپ سرکوب میشد، اما این وضعیت تاکی می توانست دوام داشته باشد؟ مثلی استنست معروف که میگوید: "فواره خون سلطنتش در سنگون شود" فشار اقتصادی و اختناق بحدی رسیده بود که دیگر هیچ چیز نمی توانست مانع از فرار رسیدن توفان عظیم انقلاب گردد. رشنان رضایتها و عدت بحران های انتقادی و سیاسی در سال ۵۵ باعث شد که در بین جناحهای هیئت حاکمه اختلافات سلیقه‌ها بروز کند. این اختلافات بر سر این بود که به چه شیوه‌ای باید به استثمار مردم و غارت منابع طبیعی ادا مده داد که



(۱) - البته این بدان معنا نیست که در تمام عرصه سرمایه داری وابسته مطلقاً نمی توانند دموکراسی بورژواشی را بگیرند، لیکن بحث بر سر اینست که این چنین دموکراسی در سیستم سرمایه داری وابسته نمی تواند با برجا و دراز مدت با شد.

خلق فریاد میزد: "رهبران ما را مسلح کنید!" اما رهبران اینرا نمی خواستند! از اینرو خلق خود ابتکار عمل را بدست گرفت و بدینسان قیام مسلحانه ۲۲ بهمن آفریده شد!

”سپیل“ بجای ”باران رحمت“!

آنجا که کشور ما سرما یه داری وابسته است ، چندبرایان دریا مدعا درانی کشور از نفت در سال ۵۳ تا ۵۴ قاطع در رشد بحران اقتصادی داشت . در سال ۵۳ درآمدهای نفتی نسبت به سال قبل تقریباً ۴ برابر (۲/۹) شد و درآمد دولت ۲۰۰ درصد افزایش داشت . به همین جهت با مه ریزان رژیم خائن پهلوی تغییرات اساسی در سیاست ما به وجود آمدند و بودجه پیش - بینی شده قبلی را دو برابر کردند . در سال ۲۴۶۱ میلیارد ریال به ۴۷۰۰ میلیارد ریال رسانیدند . جاری شدن پول نفت در اقتصاد کشور تا تیرماه قاطع درگند - یدگی کل بورژوازی ایران داشت . دولت است که عمده درآمد نفت بحیب بورژوازی وابسته بخش خصوصی و بوروکراتیک (می رفت ، معاهده های نفت شان می دهکده بورژوازی لیبرال نیز سه ما بل و پلاشه های از این ثروت یاد آورده می شد ، رشد فعلیت رشته های غیر مولد و سودآوری چون بورس بازی زمس - ساختمان سازی ، گرچه عمده ترین آنها در اختیار سرما یه داران وابسته قرار داشت و منبع پر سودی برای این قشر وابسته بشمار می رفت ، با عت گردید که بخشهای مهمی از بورژوازی متوسط ایران نیز به این رشته غیر تولیدی رو آورده و ثروت انبوهی از این راه بجنک آورد ، واقعیت ها نشان میدهد که در عرض چند سال گذشته کمتر سرما یه دار لیبرال نسبی مشاهده شده که از حرکت سیستم مدیده و ورشکست شده باشد ، از این سالها نیز که بگذریم ، اساساً بورژوازی لیبرال از لحاظ اقتصادی موجودیت و رشد خود را در گرو وجود سیستم سرما یه داری وابسته می بیند و طبیعی است که حا می و حافظ سرخت این نظام بوسیده که با جنگال خود توده های وسیع خلق را (به طور عمده کارگران و دهقانان) می فشرده اند .

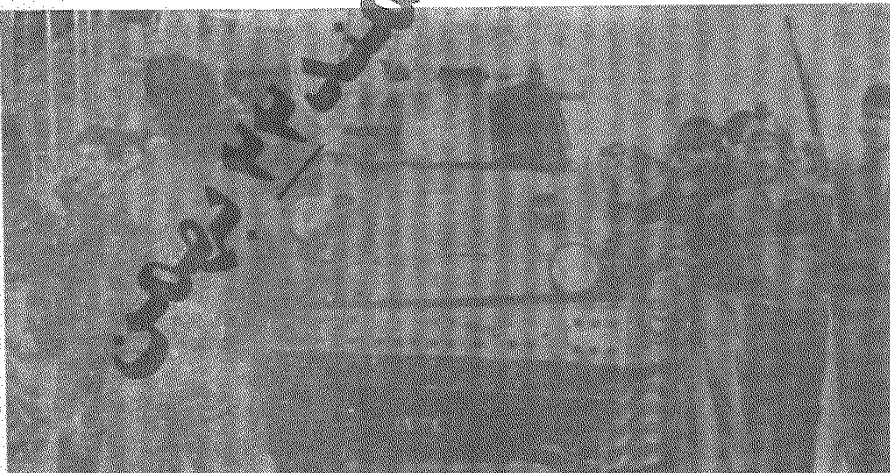
با این توصیف از موقعیت اقتصاد لیبرال بورژوازی سال ۵۳ بخوبی می توان به موقعیت سیاسی این قشر از بورژوازی ایران پی بسرد . مخالفت اینان با دیکتاتور شاه از موضع ضد انقلابی و بخاطر مزدوری مستقیم میربا لیم از جانب اینان بود و نه چیز دیگر . کوشش لیبرالها در حفظ سلطنت شاه که حتی پس از مذاکرات سجانیه با زرگان ، سنجایی و خمینی متجرب عقبنشینی اینان و اعلام ”غیر قاتونی“ بودن سلطنت شاه گردیده همچنان ادامه یافت : ”در - باره شاه سابق باید گویم که متاسفانه او هیچوقت ماهیتش تغییر نکرد ... این آدم حتی در آخربین روزهای که من او را ملاقات کردم پیشنها دکرد که وضع مملکت در خطر است ... گفتم شما اعلام کردید که انقلاب ایران را برسمیت شناختید (آری لیبرالها پذیرفته بودند که شاه انقلاب ایران را بر رسمیت شناخته است!) ... من به او گفتم علیحضرت باید از ایران خارج بشود و اموال سلطنتی زیر نظر شورائی با شرکت روحانیت رسیدگی بشود . برای شورائی سلطنتی باید اعضای به نظرایت الله خمینی تشکیل شود ... او همه این پیشنها دا را رد کرد“ (مما حیه مطبوعاتی سنجایی ، اطلاعات ۵۸/۳/۹) (تا کنسد از ما ست) . همانطور که ملاحظه میشود حتی تا آخربین

لحظه مرگ سلطنت ، بورژوازی لیبرال تمام تلاش خود را یکا بر برد تا آن را حفظ کنند و کذا ر حکومت پهلوی به ”حکومت اسلامی“ هر چه بیدر و آرا م تر صورت گیرد . ”روزی که نما یینگان دولت بخانه ما آمده بودند به آنها گفتم که تا دتا دتا بیر غلظت از یکسوی ظلم و تعدی سازمان های دولتی و همچنین با یمال کردن حقوق ملت از سوی دیگر ، مملکت را در برتگاه فرار داده است ، بطوریکه آماده هرگونه

انفجار راست و اگر هر چه زود تر نسبت به انجام خواستهای قاتونی و شرعی مردم اقدامات موثری صورت نگیرد با ید منتظر عواقب خطرناک آن باشیم“ (مما حیه بآیت الله شریعتمداری ، کیهان ۸ آبان ۵۷) . اما عواقب خطرناک از جانب آیت الله شریعتمداری چه بود؟ روشن است تا بودی سلطنت ، تا بودی سلطنته امیربا لیم (مراجعه شود به اسناد مربوطه) ر شجریان های توده ای و موقعیت انقلابی هر چه در ما همای آخرب سلطنت منقور پهلوی ، وحشت بورژوازی لیبرال را از اقدامات قاطعانه توده ها صد چند ن بگرد لیبرالهای زیون همه جا به دست و پا افتادند ، سلسله جلوه حرکت انقلابی توده ها را بکیرند ، راهسجائی آرام روز تا سوعا اوج زبونی را می رسانند ، حقیقتی با مبارزه مسلحانه مخالف است و می خواهم با سبیل خاتونی رژیم را وادار به تسلیم کند“ . (مما حیه مطبوعاتی کریم سنجایی ، کیهان چهارشنبه ۱۰ آبان ۵۷) . اگر حکومت تغییر کند ما وضعیت جدیدی خواهیم داشت و راجع به همه مطالب می توان مذاکره کرد“ . (مما حیه مطبوعاتی سنجایی ، روزنامه سوسیالیستی لومنت ، کیهان ۱۳ آبان ۵۷) مذاکرات چهار کشور امیربا لیمستی از راهسجائی و آمریکا شای در گوا دولوب که منجر به قبول طرح جرج بال ”وگنا رگذاشتن شاه گردید شرایط را بر سر این سازش تاریخی و خیانتکارانه بین بورژوازی لیبرال و امیربا لیم آمریکا فراهم آورد ، برخوردار خصمانه و خائنین به قیام مسلحانه و قهرمانانه توده ها و

کینه توزی اینان را با قهرمسلحانه توده ها نشان میدهد و نشان میدهد که قدر اینان از افتادن اسلحه بدست قدرتمند توده ها فراسا رند ”اگر انقلاب ایران مثل انقلابهای گذشته دنیا با یک حمله نظامی و یا یک کودتا صورت می گرفت ... البته برای خسودش مشکلاتی دارد ولی از یک جهت خیلی راحت است ، یک فرد با یک عده صاحب قدرت و صاحب نیروی نظامی می آید و مواضع دشمن را از رادیو و تلویزیون گرفته تا یادگانه ها و استحکامات و دربار همگی را می گیرد و بعد مستقر می شود و هم نظامی هم که در نظر داشته و برای آن این عمل را کرده ، آن نظام را برقرار می کند و چون صاحب قدرت است و ثروت و امکانات دارد مرحله سازندگی را آنطور که دلش می خواهد آنرا به انجام می رساند“ . (بیام تلویزیونی با زرگان ، کیهان ۵۸/۲/۵) ایست مفهوم قیام پرشکوه توده ها از دیدگاه بورژوازی لیبرال ضد خلق . ”تسلیم پا دگان نهسجائی نظامی در روزهای بیروزی انقلاب و پیش شدن اسلحه در بین مردم ... تا شید کننده این نظریه که امیر - با لیم در صدد است که انقلاب را با خدا انقلاب سرکوب کند“ . (نقل از اعلامیه جبهه ملی ایران - تشکیلات خوزستان ، کیهان ۱۷ خرداد ۵۸) . بدین ترتیب از نظر جبهه ملی بخی اسلحه در میان مردم سقوط یاد - کانه تا توطئه ای بوده که توسط امیربا لیم انجام گردید ، دیگر واضح تر از این نمی توان مبارزه قهرمانانه توده ها را خطئه کرد .

گذشت یکسال از قیام پرشکوه بهمن ماه تجربیات مشخصی را برای خلقهای قهرمان ایران به همراه داشت ، در این مدت بورژوازی لیبرال ضد خلقی بنا همدستی خرده بورژوازی مرفه سنتی ارتشی را که بهمت مبارزات توده ها درهم شکسته شده بود ، دوباره تجدید سازمان کرده و آنرا علیه انقلاب ایران ، بکار انداخت ، دستگای عریض و طویل دولتی را که بکلی از بین رفته بود ، مجدداً بکار انداختند ، روابط خود را با امیربا لیم آمریکا استحکام بخشیدند و با انجام صدها و صدها عمل ضد خلقی دیگر ، بسزگی تازه ای از گندیدگی بورژوازی در عصر امیربا لیم نشان دادند .



● جوانان مسلح زره پوشی را صادر کرده اند: برای چنین روزی خلق ما چه خونها که نداده است!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

نقیده از صفحه ۲ در سبهای قیام...

حکومت پهلوی قطع نفوذ امپریالیسم گرفته بودند آن برای بدست آوردن آزادی واقعی و استقلال کامل ملل بلندنده بودند و بنا بر این علیرغم داد و بیداد بسیار نمیتوانستند از انقلاب دست بکشند. حال آنکه برعکس خون شهدا درخت تنگاور انقلاب آتشبار می نمود.

بیشتر وقت انقلاب امپریالیستها را و می داشتند. بختیار رخاثن را از سر کار آورده و نا هجانی را از ایران خارج سازند تا اگر کشیش ساکت نبود ولی مردم فریاد زدند: "بغداد شاه نوبت آمریکا است" انقلاب به صفوف پانچین ارتش افسران، سربازان، افسران و... در خنجر کرده و در آن شکست ایجاد میکنند، بصورتی که از یکطرف اختلافات و تناقضات بخشهای مختلف ارتش را تشدید کرده و تگرانی امپریالیستها را دامن می زند و از طرف دیگر تردید و تردید در کنترل نسبت به ارتش و تعالی نسبت به انقلاب را در میان سربازان و بائین افزایش میدهد.

توده ها در شرایط عقب ماندگی سازماندهی انقلابی و کمونیستی در تدارک، بسیج، سازماندهی و تسلیح مردم برای قیام، عمدتاً به شکل خودبخودی بدرستی از یکسویه تشکیل کمیته های اعصاب و شورا های کارخانه محلات، ادارات دست زده و بدین ترتیب نطفه های قدرت توده ای و انقلابی خود را بوجود می آوردند و از سوی دیگر با نزدیکی قیام در حد توان خود با یکدیگر را نداختن تمام خلافت خویش به ساختن و استعمال بمبهای آتشزا در درگیریهای خود با پلیس و درگام بعدی به مسلح شدن و ساختن بارگاه ها و سنگر بندیهای خیابان می پردازند. آنان در روند مبارزه و انقلاب سرعت خود را ارتقاء میدادند، آنان بلاوقفه تجربه می اندوختند و اندوخته ها را از بخشی به بخش دیگر انتقال میدادند و سرش را ز روحیه انقلابی و فداکاری آماده جانبازی در راه آزادی بودند.

توده های خلق با شوری انقلابی فریاد میزدند: "رهبران ما را مسلح کنید!"

سرشار از تحقیر مرگ سرود قیام میخواندند، ولی رهبری تا بیگیر خورده بیروزاری تا آخرین لحظه قیام از دستور قیام مسلحانه اجتناب نمود. خرد بوروازی عدم قاطعیت خود را تحت این عنوان که "هنوز مرقع چپا ندرسیده است" می پوشاند و از جانب دیگر انقلابیون از جنبش بیولتا ربا و توده ها عقب مانده بودند.

بالاخره آتش قیام در ۲۱ و ۲۲ بهمن سرعت وصفنا پذیریا لا گرفت. توده ها قهرمانانه به مبارز ارتجاع حمله کرده انبارهای اسلحه ارتش و پلیس را تخلیه کرده و ضربات سنگینی بر مواضع دشمن وارد نمودند، آنان در پی آن بودند تا خرسه قطعی و نهائی را بر دشمن وارد سازند ولی علیرغم هزاران هزار شهید اینکس قیام خونین توده ها به پیروزیهای بزرگی نظیر واژغونی سلطنت و ضربدید امپریالیسم دست یافت ولی متعربه پیروزی قطعی زحمتکشان نگردد. چرا قیام توده ها به پیروزی قطعی نرسید؟ این سؤال اساسی ای میباشد که باید مورد تحلیل قرار

گیرد، بررسی در سبهای قیام بهمن جواب این پرسش را برای ما روشن میکند ولی این در سبها کدامند؟

انقلاب ما شین دولتی یا دستگا حکومتی را خرد و بنا بودند نکرد، اگر بنا دما با شد وقتیکه مردم مسلح به پای دگانه های ارتش حمله کردند و قیام در گرفت، بلافاصله سران ارتش اعلام وفاداری نسبت به "انقلاب اسلامی" کردند. ولی این کاریک فریب جدید بود، این کار تاکتیک امپریالیستها و سران سرسپرده ارتش آمریکا شئی بود. زیرا با توجه به تناقضات و بحران درونی ارتش و چندبار چکی آن و نیز آتش خشم توده های عصیان زده، اگر جنگ ادا میبید می - کرده و دامن آن در سراسر ایران گسترش می یافت این جنگ خونین و مقدس دیریا زودا امپریالیستها و

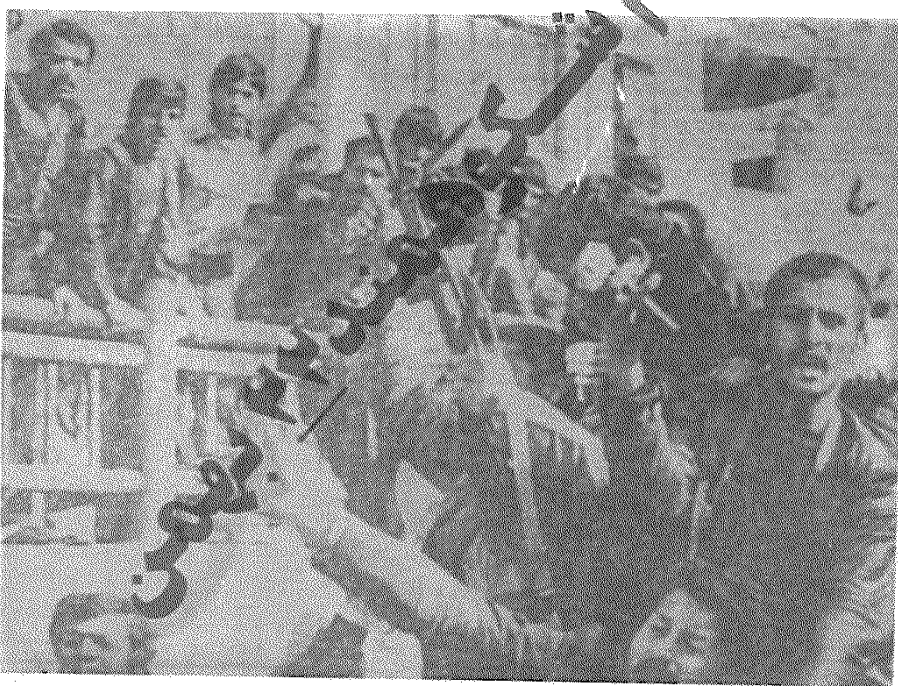
با نزدیک شدن قیام توده ها تمام خلافت خود را بکار گرفتند و با استفاده از سبهای آتش زاعلیه پلیس، با سنگر بندی در خیابانها، خود را برای مبارزه قطعی آماده نمودند.

تگران بومیان را به یکباره تا بود میا خست. اما هیچکس منجر به برآمدن رهبری قاطع و انقلابی نگردید. و تجربه متلاشی شدن کامل ارتش میبند. آنها عقب نشینی کردند تا ارتش را از زیر ضربات سنگین خلق مطلع رها کرده و با یگا خود را حفظ کنند. انقلابیون قیام دستگا های سرکوب ماندا ارتش پلیس، ژاندارمری، ساواک و... که در خدمت سرما یهداران و امپریالیستها بودند چه با بد میکرد؟ انقلاب میبایست تمام این دستگا های جور و ستم را خرد و بنا بود ساخته و بر روی خلق خود را جان نشین قوای فدا انقلاب میساخت. ما شین دولتی که یک عمر در خدمت

استعمارگران و دستمگران بوده، بنا گهان در عرض چند روز نمیتوانست طرفدار انقلاب مردم کرده، این دستگا ها ما هیئت ارتجاعی بوده و نمیتوانستند در دست شوند. بنحوی که پس از قیام تا به امروز تا هید آن هستیم که چگونه همان ارتش شاهنشاهی تحت عنوان ارتش جمهوری اسلامی بیوسته سرکوب خلق ترکمن، خلق دلاور کرده و... مشغول است و مطمئن باشیم همین ارتش و سا یرقوای سرکوب جمهوری اسلامی فردا که موجهای سنگین انقلاب بلند شد با زهم کشتا فرساید خواهد نمود. بنا بر این انقلاب میبایست ما شین دولتی را خرد میگرد و اجازه نمیداد تا این ابسزار سرکوب بعنوان تکیه گاه ارتجاع، باقی بماند و جوهر اصلی انقلاب اینست که همین ما شین دولتی سرکوبگر را قاطعانه درهم شکنند و ارتش و موسساتی را بوجود آورده که واقعا در خدمت خلق باشد.

قیام به پیروزی نشانی ترسید زیرا قیام فاقد رهبری طبقه کارگر بود. قیام فاقد ستاد فرماندهی طبقه کارگر یا حزب او بود. حزب طبقه کارگر این قدرت را داشت تا با حفظ استقلال سیاسی - تشکیلاتی بیولتا ربا، با به هدایت در آوردن تمام خلق به شکل قاطع مبارزه را تا نابودی کامل دشمن به پیش برد. چرا که حزب مستحکم طبقه کارگر، حزب طبقه ای است که به بیکترین مبارز راه استقلال و آزادی است.

دروغ هر کدام از افسار و طبقات تا آنجا که منافع طبقاتیشان اجازه میداد در جنبش شرکت میکردند. دیدیم که سرما یهداران لیبرال که اسل سازش با فدا انقلاب بودند در همان حین قیام در پشت پرده در حال گفتگو جهت سازش با فرما ندهان ارتش و آمریکا بودند تا افرادی مانند مهندس بازرگان که از



افراد هزانی، در لحظاتی که در گیری اوج گرفت، علاوه بر آنکه خود با «گاردیها» درگیر شدند، با شکستن اسلحه خانه، تعدادی اسلحه نیز در اختیار مردم گذاشتند عکس گروهی از مردم را نشان میدهد.

قیام بطور عمدده با خون و فداکاری زحمتکشان به پیروزی رسید، اما لیبرالهای سلطنت طلب و فرصت طلبان از راه رسیده بودند حاصل آنرا

کوناگون جنبش توده‌ها را سرکوب نماید و دستاورد های قیام را با زبس بگیرند، طبقه کارگر و طبقات سنگینی بعهده دارد. در چنین شرایطی طبقه کارگر با یستی به مبارزات منفی و سیاسی-انقلابی خود عمق بخشد و خود را هرچه بیشتر متشکل و منسجم سازد. همچنین صف نیروهای انقلابی را در مقابل نیروهای ضد انقلاب فشرده نماید. طبقه کارگر باید آنگاه انقلاب به پایان نرسیده، زیرا تحقق انقلاب این مرحله یعنی درهم شکستن سرمایه داری وابسته، سلطه و نفوذ امپریالیسم و دولت حامی آن، یعنی استقرار جمهوری دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر، قدرتی که بر اساس اتحاد همه زحمتکشان و توده‌های تحت ستم ما بوجود آمده و با سدا و آوازی استقلال و آزادی کامل میهن ما میباشد.

بنابراین وظایف بس خطیری در مقابل کمونیست‌ها و طبقه کارگر قرار گرفته است. برای پیروزی قطعی باید آمادگی همه جانبه ای را به پیش رفت. پیروزی واقعی جنبش در گرو همین آمادگی است.

گرمی با دیا دتما می شهائی که همه قیام ۲۲ بهمن را آفریدند!

دردبر همه اشهدای راه استقلال و آزادی میهن
مرک برای امپریالیسم آمریکا و حامیان داخلی اش

۵۸/۱۱/۱۹

اعلامیه شماره ۵۸

و وقتی که آنان از زندگی سخت و طاقت فرسا بجان آمده اند و خشم خود را نسبت به جمهوری اسلامی نشان می دهند میگویند: "زن و بچه گرسنه سر سرش نمیشه دولت سرمایه دار حرف سرش نمیشه" و با زکا رگران در کنار سایر توده‌های ستمکش جامعه ما فریاد میزنند و خواهند زد: "ارتجاع، ارتجاع هنوز به روی کاره، انقلاب انقلاب هنوز ادامه داره".

وظیفه طبقه کارگر در شرایط کنونی چیست؟

در شرایطی که جنبش دموکراتیک - فدا مبریا لیستی خلق به تداوم خود ادامه میدهد، و میروود تا ابعاد گسترده تری بگیرد و در حالیکه تمامی باندهای مرتجع نظیر تیمساران شاهنشاهی، بورژوازی لیبرالهای خائن خوانین محلی و روحانیون مرتجع و وابسته و... تلاش میکنند خود را برای سرکوب خلق سازمان دهند و در شرایطی که بدنبال شکست احزاب و روشکستامپریال "نظیر جبهه ملی"، "نهضت آزادی ایران" و جمهوری خلق مسلمان" مدنی این تیمسار جلال شاهنشاهی میکوشد تا به کمک لیبرالهای رسوای دیگر نظیر بزرگان و صاحبان حزب جدیدی را به اعتبار (خبر) تبلیغون رای ای که در انتخابات آورده است ایجاد نماید، در چنین شرایطی که این باندهای مرتجع تلاش میکنند که به وسیله

انقلاب بیشتر میسرید تا از ارتجاع، برای اینکه جلوی انقلاب را بگیرد و خود را شریک در قدرت نماید در همان زمان قیام به بازش و خیانیت نسبت به انقلاب دست زده است.

دیدیم که در سری خرده بورژوازی با تزلزل طبقاتی خود قریباً تیراندازی را خود و خود در زمانیکه مردم اسلحه طلب میگردیدند، اسلحه را قاطعانه در هم کوبیدند میگفت: "وقت جنگ سیده است" و میترسید اگر جنبش با زهم بالا بگیرد، دیگر نتواند آنرا زیر نفوذ خود قرار دهد.

و دیدیم که طبقه کارگر در تمام مراحل جنبش با پیگیری تمام در جنبش شرکت کرده و با بسیاری در راه انقلاب ایران داد و دلی از آنجا که با کاپیو طبقاتی خود مسلح نبود از آنجا که متشکل نبود و جنبش طبقاتی خود را نتوانست، نتوانست رهبری جنبش را درست بگیرد و نهضت دموکراتیک - فدا مبریا لیستی خلق را به پیروزی کامل برساند. فقط طبقه کارگر بود که میتواند انقلاب را رهبری کند، فقط طبقه کارگر بود که میتواند استقامت و اعتماد بدون هیچ تزلزل و هیچ سازشکاری با وحدت بخشد، به دهقانان و سایر اقشار تحت ستم انقلاب را تا به آخر بجلوراند، ولی عسدم وجود حزب طبقه کارگر یعنی حزب کمونیست به طبقه کارگر امکان آنرا نداد تا جنبش را زیر رهبری خود در آورد و بنا بر این انقلاب در نیمه راه متوقف گردید. کارگران و سایر زحمتکشان برای کسب قدرت

سیاسی یعنی بدست گرفتن حکومت به انقلاب دست زدند ولی فقدان رهبری بیکمیر جنبش منجر بدان شد تا قدرت سیاسی در دست دیگران قرار گیرد. در حال حاضر ترکیب هیئت حاکمه عبارت از عناصر سرمایه داری وابسته و جاسوسان آمریکا، سرمایه داران لیبرال و خرده بورژوازی مرفه میباشد. اینان که قدرت را بدست گرفتند بنا بر مذهب طبقاتی خود نمی توانستند آزادی و استقلال ایران را تامین کنند و به خواسته های زحمتکشان و حقوق خلقهای ایران پاسخ انقلابی گویند. هیئت حاکمه کنونی جمهوری اسلامی را می گرداند پس از یکسال، نه همه هزاران قراردادی، نظامی، اقتصادی امپریالیستی را لغو نموده، نه اسامی کلیه جاسوسان و ساواکیها را منسوخ ساخت و آنان را مجازات نمود، نه به کارگران بیکار کار داد، نه به دهقان زمین داد، نه بحران و گرانانی سوسام و رزوا نتوانست از بیسین ببرد، نه ۴۰ ساعت کار در هفته را برای کارگران تامین کرد، نه آزادیهای دموکراتیک را آنچنان فراهم نمود و نه جماعت و سرکوب را از بالای سر توده‌ها، نیروهای انقلابی و کمونیستی و خلقها به کما رکذانت هیئت حاکمه قانون اساسی ارتجاعی خود را با دوز و کلک تصویب نمود، تا نوبت که در آن نه از حقوق خلقها سخن میگوید، نه از حقوق کارگران حرف میزند، نه از مصادیر انقلابی زمین سخن میگوید و نه از ملی کردن صنایع و معادن سرمایه های وابسته و امپریالیستی.

امروز کارگران پس از یکسال بعد از قیام وقتی در خیابانها به اعتراض تظاهرات می کنند باز هم میگویند: "گارت برای کارگر، زمین برای بزرگ"

بقیه از صفحه ۹
داشته است. ادراکات منطیکی در راز منطق عینی و پیچیده، ارتباط هنر با عینیت منطقی بمانخواهد کرد. مسئله این است که اکنون چگونه عسرت آوری راه برای فعال شدن خلاقیت های هنر انقلابی، گشوده است.

حقیقت این است که زندگی در حال حاضر، در طبقات گوناگون، برهنه در صحنه حاضرند، تضاد ها و درون و بیرون و حرکات سرسام آورنده و همه، گوناگونی و ترکیب نامی نهایت نوی از حواد و مناسبات قابل مامل فراهم آورده است و بی تردید این زمینه مناسبی برای آفرینش خلاقانه



زنده باد طبقه کارگر ایران!
کارگران صنعت نفت، در جریان اعتصابات تاریخی خود، اعتصابات که رژیم شاه را فلج کرد.

قیام ۲۲ بهمن بار دیگر ثابت کرد که در انقلاب خلقها بدون رهبری طبقه کارگر نابودی ارتجاع و محور سلطه امپریالیسم امکان پذیر نیست

هنرمقاومت هنرپرولتری



قیام

ضامن سازش کشیده شد
وانگشت‌های خشم
ماشه منتظر قیام را فشرد

آه بنگریدشان
بنگریدشان
با هلهله های آشتی ناپذیرشان

با صوف خونین شان
آمیخته به زیباترین فریادها

بنگریدشان
این خلق مسلح منست
این خلق مسلح منست
که مهاجم و بی طاقت

گریو قهر خویش را
شلیک میکنند

این خلق منست
که میجوشد از زرفنای روزهای مشقت
میجوشد از محله های بیخاسته زحمت
میجوشد از لایه های پنهان "گودها"
میجوشد از لایه های زنجیر کارخانه ها
میجوشد از عمق تشنه کشتزارها

و می جوشد
می جوشد
می جوشد

و پیش می آید
در امتداد لحظه های قیام

تا غرق کند
در تلاطم خون خوش
پادگانهای عاجز دشمن را

آری در انتظار پایان این سرود
برگز راه موجهای ملتعب می ایستیم
فانوس فریاد های روشن خود را

در سواحل تیره می افروزیم
و با صدای متحد آبهای سراسری می آمیزیم
در انتظار پایان این سرود هر دم
در انتظار پایان این سرود هر دم

ما تکرار میکنیم
لحظه های نبرد را
(اسفند ۵۷)

یادداشت

از قیام و از هنر

ماها موج زدن و بیهم آوردن ، ماهها میل شگرف
بیوستن و ورستن ، ماهها زندگی رابگونه ای سخت
تازه تجربه کردن ، ماهها و ماهها ز زمین و آخر در
قیامی باشکوه نیروی عظیم حماسه های یاد نیا آورد

خویش را سردادن ، آری اینهمه نمی تواند تاثیر
بخشد ، و از جمله بر زندگی برجای نگذارد ، بر
همه "شعور" و از جمله بر زندگی معنوی طبقات !

جنبش پرولتری ، عموماً بر عواطف و روحیات توده ها
باقی نهد است .

باقی نهد است ، احساسات
تازه و تجربه نشده و با عیب غنی ترازد و روان سیرا را م
جامعه را بعرصه ظهور درنگه است و در این میان ،
هنر که عمدتاً بر کیفیات زندگی تأثیر میسرورد ، نمی
تواند در اساسی ترین عنصر زندگی خود ، تغییر
نماید . هنرمقاومت ، هنرپرولتری نمی تواند
محشوران از احساسات نو پرورش نگیرد .

اگر هنرمقاومت ، هنرپرولتری ، تاد بر روی
لگد کوب حاکمیت بی تزلزل ضد خلق انسان
خوردن با سرچشمه "جوشان" خلافت - زندگی را
از دست داده بود ، اگر تاد بیروز دچار محدودیت
شناخت عواطف و روحیات توده ها بود و یا آنکه در
صحنه زندگی قادر به تشخیص آن پنهان ترین
احساسات شگفت انبوه عظیم رنجبران ، محرومان و

زحمتکشان نبود و همچنین ، اگر تاد بیروز ، زندگی
هیچگاه تاد بین مقیاس ، اجازه نمی یافت تصاویر ،
صداهای و نقش های بدیع و شورانگیز بیا فریند ، و هنر
اجازه نمی یافت این زرفترین روحیات انسا نها را
خلافت کشف نماید و باز گوید ، امروز ما اینهمه
تغییر یافته است .

اکنون اگر هنر در رسم خارد ارواحیات پست و
ابتدال افراد منشا نه خرد به بورژوازی خود را
زندانی نکند ، بنحو حیرت آوری امکان آفرینش
زیباترین و ارجمندترین آفریده های انسانی - هنر
توده ای - را خواهد یافت ، هنری که بتواند هرچه
عمیق تر جلوه های گوناگون زندگی را ، راستیسن و
شفاف منعکس سازد و بدین طریق در پیشبرد امر
تغییر جامعه ، در بدست آوردن یک شناخت
درونی از خلق ، شرکت نماید .

مسئله آن نیست که طی قیام ، هنر تاجه اندازه
تحول پذیرفته و متقابلاً چه تأثیری بر حرکات توده ها

بقیه در صفحه ۸

از چارجانب می آید

آیا نمی شنوید
صدای گامهای انقلاب را
هنوز می آید
هنوز می آید
از میادین پایان نیافته نبرد
با هزار زخم برپیکر
با هزار نعره در گلو ؟

آیا نمی شنوید ؟
از کارخانه های ملتعب می آید !
از کشتزارهای سوخته !
از محله های رنج می آید !
از خانه های گرسنه !
از تنگه های خونین کردستان
از سواحل توفنده ، انزلی
از زورآباد کرج می آید !
از آبشوران کرمانشاه
از چرنداب تبریز
از کرانه های خونین خلیج می آید
ولهبجه ، شگفت و خشمگینش

موج می زند
موج می زند
موج می زند

آری

هنوز می آید
هنوز موج می زند
و در بستر خرابیهای خروشان برآه میافتد
هنوز می آید
هنوز موج می زند
و در پهنه های مشترک رنج متحد می شود
هنوز می آید
هنوز موج می زند
و در چارجانب سرزمین محروم می توفد

آیا نمی شنوید ؟

صدای گامهای انقلاب
هنوز می آید .
(تابستان ۵۸)

آفتاب سرخ

نوشتم به شادمانی آندم سرخ
کز شرق انقلاب در آفتاب سرخ
نازم بدان زمان کعبه نیروی پیدایش
ملت نهاد به گردنم طناب سرخ
قربان آن دمی که زخون توانگر
دریای انقلاب شود پر آفتاب سرخ
خان را شراب سرخ بجام و زفرط جوع
ریزد ز دیده د ختردهقانی آفتاب سرخ
در خون خائنان وطن غسل واجب است
در شرح انقلاب به نص کتاب سرخ

(ابوالقاسم لاهوتی)

پیکار دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان ایران تا محو سلطه
امپریالیسم و نابودی ارتجاع داخلی ادامه دارد...

حزب توده از مشروطه خواهی تا قیام خلق

و برای تحقق آن در پی برپا ساختن "جبهه ضد دیکتاتور" توری "با شرکت بخش دوزخ اندیش هیئت خاکمه" و بسته به امیریا لیس می باشد. طرح شعار رومیو - نیستی جدیدینا تنخیرما هیئت "کمیته مرکزی"

"کمیته مرکزی حزب توده" رویونیست همیشه علیه جنبش خلق بوده است، این حکمیک اتهام نیست. بلکه جنبه جمع بندی از سیاست و عملکرد این دارو - دسته مریم ووا بسته است. عامل تعیین کننده در سیاست حزب توده "منافع و سیاستهای امیریا لیس روسیه شوروی است و در این ارتباط در نزد رومیو - نیستها، برخورد سرشکارانه به قدرت سیاسی خاکمه منظور کسب امتیاز است چند، تکمیل کننده سیاست خیانت آمیز و فاسد سیاسی آنان نسبت به جنبش خلق و نیروهای آگاه آن بوده است و می باشد.

● سال ۱۳۵۰ - احسان طبری رویونیست: هدف بارز ما "اجرای آن مقرراتی است که در قانون اساسی مائاکون پنج شاه به اجرا و حفظ آن سوگند یاد کرده اند!"

● سال ۱۳۵۳ - حزب توده: آیا سرنگونی سلطنت استبدادی شاه حتما باید با برانداختن سلطنت بطور کلی همراه باشد؟ بنظر ما نه...!

کسانی که ما استفاده از حقوق حقه قانونی خود در نهایت نظم دست به تظاهرات زده بودند مورد آزار و اذیت و اهانته قرار دادند. بلکه، رویونیستها که مخالف قهر انقلابی بوده ها هستند، اقدامات انقلابی آنان از قبیل به آتش کشیدن بیش از ۷۳ بانک امیریا لیسستی را "خرا بکاری... چاقو کشان و او با شان ساواک قلمداد می نماید.

فدا انقلاب برای جلوگیری از ظفیان انقلابی توده ها مذبحا نه به سیاست سرکوب متمرکز و وحشیانه روی می آورد بنحوی که در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ هزاران تن از توده های ستمدیده را قتل عام می کند و بنا تظاهرات قهرآمیز و فدا میسرانی دانشجویی در ۱۳ و ۱۴ آبان ۵۷ رابخون می کشد. در این هنگام رویونیستها که از مبارزات قهرآمیز و قیام مردم که کلیه قوانین فدا انقلاب و از جمله قانون اساسی ارتجاعی شاه را آشکارا و کاملاً نقض کرده و سرنگونی رژیم وابسته را دستور کار قرار داده، هراسانند. رویونیستها با تمام قوا از یکسویه محکوم کردن جنبش قهری مردم پراخته و از سوی دیگری کوشش نا هراس "مقل" تیا ورتند و راه اجرای قوانین ارتجاعی و تعدیل استبداد و اختناق وادار نمایند. بصورتی که "کمیته مرکزی" تظاهرات انقلابی آنان را به پلیس نسبت داده می گوید:

"سازمان صبح زور بعد تعدادی از دانشجویان اجتماعا بنا به تحریک پلیس دانشگاه چند سینه انگشته و به تاردها نگاه برای آنها حمله به لایم ریاست دادند". (نشریه خبری کمیته مرکزی، ۳۰ آبان ۱۳۵۶). سپس رویونیستهای توده ای زمانی که فقط کمتر از ۲ ماهه قیام پسین ماه ۵۷ باقی مانده است در تشریح خود می نویسند:

"در این کشور قوانین اساسی ما سند قانون اساسی و متمم آن و یک سلطنت و این دیگر وجود ندارد که اگر با مراعات روح واقعی آنها، اجرا می شدی شود، اگر کوچکترین احترام و رعایتی برای آنها وجود داشت و داده می شد، ما راسا خود سر و سامون نکن و ما برانه و مدسری ساواک حتی لحظه ای نیز نمی توانست تحمل گردد."

نیست. منظور او از "سرنگونی دیکتاتور" نه برانداختن انقلاب قهرآمیز توده ها، درهم شکستن ماشین دولتی بوروکراتیک - نظامی، نابودی سرمایه داری وابسته و سرنگونی بورژوازی کمپرادور و سلطه امیریا لیس، بلکه به "عقب راندن" استبداد ساواکی "شاه است که ما نمی در برابر نفوذ بیستتر شوروی در ایران و شرکت "کمیته مرکزی" در پارتی رلمان دولت شاهنشاهی می باشد.

اصلا مبارزات قهر ما نه مردم دلیر ایران برای سرنگونی رژیم وابسته شاه گسترده می شود و انقلاب دور برداشته و به شکل قیام منطقه ای ارتقا می یابد. سلطه فاسدات توده ها فدا انقلاب را به زبونی و استعمار کامل کشانده و تظاهرات آزار دهنده می دهد. "کمیته مرکزی" به یاری هیئت خاکمه می شتابد و جنبش مبارز مردم را تخطئه می کند



سه نسل در قیام شرکت کردند: نسل دیروز، نسل امروز و کودکان، یعنی نسل فردا...

برای ارزیابی از حرکت "کمیته مرکزی" در قبال قیام بهمن ماه توده ها، به گذشته چندین دور آن نگاه می کوتا می اندازیم. در زمان رژیم وابسته شاه خان، رویونیستهای "کمیته مرکزی" بر اساس ما هیئت ما زنگار را انسان، می کوشیدند تا از طریق وجهه الحاصل قراردادن جنبش مردم ولجن بر اکنش علیه آن به رژیم سلطنتی شباهت دهد و در نزد رومیو - نیستها، رویونیستها سالیان در راه خراج از کشور با آسودگی خاطر، بدون مبارزه حاد طبقاتی توده مردم تهرانی ساوش طبقاتی را ما در می کردند، آنان که از اندیشیدن به انقلاب، در هراس بودند، در برابر رژیم سرسپرده خاکمه کرنش کرده و دست تکی بسوی او دراز کرده تا اینکه بتوانند در قدرت سیاسی موجود سهیم گردند و به همین خاطر آنان در شرایطی که مبارزه مردم در حال اوج گیری بود و انقلابیون - اگر چه جدا از توده ها - ولی دلیرانه و قهرمانانه جان می باختند، خواستار "استقرار آزادبها می دموکراتیک" در چهار چوب رژیم موجود می شوند و از زبان احسان طبری رویونیست اسلام می کنند: هدف عمده مبارزه ما "اجرای آن مقرراتی است که در قانون اساسی مائاکون پنج شاه به اجرا و حفظ آن سوگند یاد کرده اند". (دنیا، شماره ۱۲، ۱۳۵۰). و در تکمیل این سیاست خاننا در رویونیستها می گوید:

"آیا سرنگونی سلطنت استبدادی شاه حتما باید با برانداختن سلطنت بطور کلی همراه باشد؟ بنظر ما نه. حتی از بین رفتن حکومت مطلقه و رژیم ترور و اختناق موجود می تواندهد به معنی از بین رفتن سلطنت و استقرار جمهوری که خود را خواهستهای مردم و حزب ماست نیاند". (دنیا، مهر ۱۳۵۳)، (تاکید زماست).

بدین ترتیب در این مقطع رویونیستها خواستار اجرای "قانون اساسی شاهنشاهی" و "سلطنت مشروطه" می باشند و بنا بر این علیه جنبش خلق ما سزگر گرفته اند. ولی با تشدید رقابت دوا بر قدرت آمریکا و شوروی و انعکاس آن در سطح ایران، سیاست پیشین "کمیته مرکزی" به شکست می انجامد. "کمیته مرکزی" که می خواست "دیکتاتور شاه" را بتدریج به "دموکراسی شاه" تبدیل کند، این بار به ناگهان به طرح شعار "سرنگونی دیکتاتور شاه" می بردازد

ماستک آزادیخواهی و ضد امیریا لیسستی لیبرالیهای سلطنت طلب دیروز را از چهره انسان برداریم

"اگر مر قوانین موجود مراعات گردد، دست خودسری و استبداد تا حدودی سته است. ولی همین قوانین موجود با گستاخی و بی پرواگی عجیبی (۱) با بحال جگمه پوشان شاه و جاکرانش می شود"

(دنیا، شمل ۹۰، آذر ۱۳۵۷)، (تاکید از ماست). روس است که در حوالی قیام خونین توده ها و در متن موقعیت انقلابی ستم، " کمیته مرکزی " خواهان اجرای قانون شاهنامه و محدود نمودن استبداد است و برای عقوبت می با شکله در جها خوب رژیم حاکم باید " انتخابات عمومی انجام شود تا مبارزات قهرآمیز و انقلابی توده ها به تمام گسترده نشود. ایرج اسکندری روزیونیست می گوید:

"تا زمانیکه جنبه واحد دیکتاتوری برپا شده بر پایه مشترک تشکیل شده است، مبارزات رژیم با جادرجها متفاوت سیر خواهد بود. برخی اجزای نهایی سیاسی متاخره علیه رژیم را صرفاً تحت شعار سرنگونی بطور مستقیم، برای نیل به هدف کاسی می دانند و لذا اصولاً استفاده از شیوه دیگری را غیر از اعمال قهر مستقیم و یورش بلاواسطه به سگرهای قدرت رژیم، مجاز نمی شمارند. در حالیکه جریان دیگر معتقد به انحصار درونی است که بر پایه مبارزات مشخص و تحت شعارهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی بنواستدیا منظر لزل ساختن ارکان اناسی رژیم برورواختناق و تصرف مواضع مهمی که رژیم برای اعمال سیاست صدملی و ضد دموکراتیک خود در اختیار دارد، نیل به هدف مشترک را آسان و ممکن الحصول سازد. برنامها می نیز که در مورد رژیم آینده از جانب سازمانها و جریانهای سیاسی و اجتماعی انتشار یافته بسیار متفاوت است. برخی راه نجات کشور را در تشکیل یک حکومت اسلامی میدانند، جریان دیگر در عین اینکه اجراء موازین شریعت را لازم میدانند، معتقد به حکومتی است که طبق قانون اساسی تشکیل و با تعبیرات دیگر بر اساس سلطنت مشروطه اداره شود. جریان سیاسی سوم تعیین شکل حکومت آینده را موکول به انتخاب هیات عمومی و آراء مردم و قانون اساسی جدید نموده است و سرانجام در طرح برنامها می حزب توده ایران ضمن اعلامیه ۱۳ شهریور که انتشار داده تشکیل یک حکومت انقلابی ملی برپا به جمهوری برای اجراء وظایف عمده دموکراتیک، ضد امپریالیستی و رنای پیشتها دنده است."

(دنیا، شماره ۲۸، آبان ۱۳۵۷)، (تاکید از ماست)

بقیه از صفحه ۵
مروزی بر...

با تعویض هویدا و روی کار آمدن آموزگار نه تنها کمترین، بلکه با دگمتر شده تری پیدا کرد، فشار مردم از این مرتبه افزایش می یافت و جنبش توده ای اوج بیشتری می گرفت و این حرکت توده ای خود زمینه را برای عقب نشینی بیشتر رژیم فراهم می ساخت. او جکیری جنبش دانشجویی دریا نیز ۵۶ خبار توفان عظیم انقلاب در آینه های نزدیک میداد و تپا م و سربزرگ آغای خونین و بر سرکوه بر آن بود. جنبش توده ای از همان ابتدا قاطعیت بسی نظیری را در سرنگونی سلطنت درنا بودی سلطه امیر - بالنیم رخودستان میداد. تجربیات تلخ انقلاب مشروطیت و انقلابها و قیامهای پس از آن به مردم ایران نشان داده و قهقهه بود که ادامه رژیم سلطنتی دست نماده امپریالیسم هیچ چیز جز فقر و بدبختی و نکبت بهمراه نداد و دیگر هیچ شکاری جز سرنگونی رژیم سلطنتی و بنا بودی سلطه امپریالیسم نمی تواند در دستور انقلاب قرار گیرد. دیگر دوران شکار کهنه بنده و فرمستی جنبه ملی و نهضت آزادی سررسید بود و چشم و کینه توده ها نسبت به شاه، رژیم سلطنتی و امپریالیسم بدی رسیده بود که تنها سرنگونی کامل رژیم می توانست اوج گیری انقلاب را برایش فرو نماند، توده ها خواستار مبارزه و تصفیه حساب قاطع با عوامل ارتجاع و ارتش تانندان مسلح امپریالیستی بودند و اینها با شعارهای انقلابی خود هر دوران بعد از فرار شاه، شعارها می چون "بعد از شاه توبه امپریالیست"، "وای بروزی که صلح سویم"، "رهبران ما را صلح کنید" ... بخوبی نشان دادند و این در حالی بود که لیبزالیهای جنبه ملی و نهضت آزادی آقا با سنجایی و با زرگان ... به انگا پشتیبانی و حمایت غیر ملکی میگوشتند و ارتجاع و امپریالیسم به گره بینشند، اما جنبش توده ها آنچنان عظیم و پرتوان بود که دیگر جانی برای جان زدن ها و بندوبستهای بورژوازی لیبزالیهای ما نبود و دنیا و اروپا امواج پرت تلاطم خود بی اعتبار به پندار با فیهای لیبزالیهای ما مبنی بر حفظ رژیم پهلوی سلطنتی توفنده و پرتوان نانا بودی رژیم سلطنتی شاه و وارد آوردن ضرباتسی جدی بر لیبزالیهای امپریالیسم و سیستم سرمایه داری وابسته همچنان به پیش می رفت.

از سیاست روزیونیستی "جریان سیاسی سوم" و با تعبیرات دیگر " کمیته مرکزی حزب توده " چند نتایجی بدست می آید:

۱. ادا ندارد ...

بقیه از صفحه ۳
بیکار پس از...

سختی و عذاب با لایحه با دوش، چند سال بعد هم مریض شد، با همه دوا و دکتری که کردیم اثری نداد و مرد. س - چندتا بچه دارید ؟ ج - هفت تا، چهار تا دختر و سه تا پسر. س - همه بزرگند ؟ ج - نه، وقتی پدرشون مرد، دختر بزرگ سیزده سالش بود و پسر کوچک ۶ ماهه بود، الان دختر بزرگ دوساله که از دواج کرده و یک بچه هم دارد. پسر کوچک هفت و نه ساله مدرسه نرفته. س - خودتان با بحال کار کرده اید ؟ ج - او از عمر پدرش در یک فروشگاه کار میکردم کار سختی بود ولی از خیلی کارها راحت تر بود. اقلاً می توانستم بچه ها میرا با خودم ببرم. س - مدتی هم اخیراً در کفش ملی کار کردید. س - از بعد از مرگ شوهرم در زندگیا نگونه می گذرد ؟ ج - یکی از آشنایان شوهر ما می با نصد تومان پول و با نصد تومان خواب و برای ما می آورد البته بشرط اینکه من کار نکنم، ولی مگر با ما می ۱۰۰۰ تومان ۶ نفر آدم میتوانند زندگی کنند ؟

کفش ملی از جمله کارخانه های بزرگ است که به علت نوع تولید از کارگران زنان کارگر میبازان زیادی استفاده می نماید، صاحب آن ایروانی معروف، بخارج بر خسته و امروز کارخانه در دست دولت قرار گرفته و به اصطلاح ملی شده است، اما آیا دیگر کارگران استماری می شود؟ و یا حتی شدت استثمار با شین آمده است؟ آیا صرفاً اسم "ملی" کردن می تواند در در کارگران را چاره کند ؟

س - از کارتان در کفش ملی بگوئید. ج - حدود ۶ ماهه آنجا کار کردم و با لایحه کار فرما مرا راهم ندا شتیم هر روز ما حیخا نه بدرخانه ما می آمد و می گفت "اگه های دیوار رخک بشینی باید چون سبزی، شما الان به بزرگراه اتان می میرا ندهید، و هیچ کاری از دست ما بر نمی آید. با لایحه سرم کارکنانی در یک کار را زوا پیدا مدتی در آنجا کار میکردم و به اصطلاح آنجا بود غروب که بچه ها مدرسه بر می گشتند و میرفتند کار میبندیدند و رژیم را رانمی دید، بعد از مدتی دوباره بیکار شدیم، لایحه آخر عمر من کسار با دوشی در یک بنگاه را پیدا کرد، بعد از ۵ سال اخراج کرد، کار من در قسمت آموزش بود. اوائل هر شب که بختا نه بر می گشتیم، نوک دست ها بمرخم بود و از آن خون می کشید و می کشید تا دت کردم.

س - چرا اخراج شدید ؟ ج - بخاطر بچه ها. اول که رفتم سرکار در یک کویکم را بیش آنجسار میگذا شتم ولی دا مادام خیلی سا دخترم بد رفتاری میکرد، با وجود اینکه ماهی ۴۰۰ تومان خرجی بچه ها را میدادم. با لایحه در رستوران اسال هر دو پسر ما هم آبله مرغان شرفسند، با خواهش و تمنا دوروز مرخصی گرفتیم ولی چون بچه ها خوب نشدند مجبور شدم چند روز دیگر هم سرکار بروم. دفعه دوم ما درم ز رشت آمده بود، یک روز رفتم کارخانه، روز بعد که رفتم کار فرما بعلت غیبت زیاد مرا اخراج کرد.



منتشر شد :

گرمای باد سالروز نبرد قهرمانانه سیاهکل

در ۱۹ بهمن نه سال پیش گروهی از رزمندگان قهرمان فدائی خلق به رهبری رفیق علی اکبر صفائی فرامانی، بیگانه‌ها را در رمی سیاهکل را مورد حمله قرار داده پس از خلع سلاح آن و سخنرانی بسطی برای مردم، به بیرون خود با رگ بستند.

عمل قهرمانانه این رفقا در آن سالهای سگوت و خاموشی اگرچه با خطا و بزرگی مئی چریکی نمی توانست پشتیبانی ده‌ها رابچه‌راه داشته باشد، اما با قرار دادن قهرمانان در برابر قهرمانان انقلابی سنت نویسی درسیا بسط یافته، مبارزاتی نیروهای انقلابی علیه رژیم مزدور شاه، گرفتارانه خطبای پیوسته، رقمیستی و با رگ بستن با شکارانه ای که لیبرالها و حزب توده مبلغ آن می‌گفتند، خط بطلان کشید.

رژیم مزدور شاه پس از این حمله جنایتکارانه و افتادگی نیروی زیادی را برای سرکوبی و سرکوبی این رفقای قهرمان بسیج کرد. در جریان این نبردنا برای برولی قهرمانانه، رفقا محمد رحیم شامانی و مهدی اسحاقی شهید و بقیه دستگیر شدند.

سرانجام رژیم مزدور شاه نام ۱۳ رزمنده انقلابی را که بعضی از آنها زیر شکنجه بشهادت رسیده بودند در ۲۵ اسفند ۴۹ بعنوان تیرباران شدگان اعلام کرد. این رفقای شهید عبا رستندار:

علی اکبر صفائی فرامانی، جلیل انفرادی، هوشنگ نیری، احمد فرهودی، عباس دانش بهزادی، محدث قندجی، هادی بنده خدا لنگرودی، از گروه جنگل، وغفور حسن پور، هادی فاطمی، شجاع الله مشیدی، اسماعیل معینی عراقی، ناصر سیف دلایل فرامانی و اسکندر رحیمی، یادشان گرامی و آرامشان پیروز باد.

حمله به اجتماعات فدائیان خلق را محکوم میکنیم

در جریان برگزاری دهمین سالگرد نبرد قهرمانانه سیاهکل در تهران و سایر و گنبد، به اجتماعات و راه پیمائی‌هائی که از جانب سازمان چریکهای فدائی خلق ترتیب داده شده بود، حمله شده است. قبیل از این نیز ما شاهد حملات دسته‌های مزدور به نیروهای مترقی و انقلابی که از جانب ساند های مرتجع حاکم و احزاب و گروههای شناخته شده سازمان داده میشود بودیم. این بار این دسته های مزدور که بنام "حزب الله" و "خون و شمشیر" و غیره عمل میکنند باعث کشتار روز خمی شدن عده ای نیز گشته اند. بنظر ما این گونه حملات ارتجاعی و ضدت یابی آن نتیجه شکست های بی دردی یا ندهسای ارتجاعی ورشدنیروهای انقلابی می باشد. ما ضمن محکوم نمودن این گونه اعمال ارتجاعی به کلیه نیروهای ترقی خواه و انقلابی همدارمی دهیم که بدلیل رشد مداوم نیروهای انقلابی و سرخوردگی جریان های ارتجاعی با یستی هشاری خود را برای مقابله و جلوگیری از این گونه اعمال بالا ببریم.

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۵۸/۱۱/۲۵

● مناسبت اولین سالگرد قیام مسلحانه خلق، تقویمی سیاسی که در آن روزهای مهم تاریخی، شهادت انقلابیون بزرگ و دیگر تفاقات مهم سیاسی ایران و جهان مشخص شده از طرف سازمان انتشار یافته است.



۱۳۵۹
1980-1981

به مناسبت ۲۲ بهمن
نخستین سالگرد قیام مسلحانه خلق

قیام مسلحانه خلقهای قهرمان ایران

این تقویم را که قسماً از سازمان خرمین خلقی ایران و مخصوص خلقهای ایران است، به زبان و موزه آن روزنامه ای تقدیم می کنیم که در تیرماه سال ۱۳۵۸ و سازمان خرمین خلقی ایران، بهوش کارگران و رزمندگان، جان خود را بیدریغ فدا کردند.

کتابهای منتشر شده :

- کتاب خلق کرد چه میخواهد و چه میگوید ؟ بزبان ساده برای کارگران
- جزوه "سود ویژه و شورای انقلاب"
- کتاب "درباره" نیروهای سیاسی ترکیه " نیز بزودی منتشر میشود

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران